

علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال هفتم، شماره دوم، پیاپی (۲۱)، تابستان ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۱۱

صص ۲۲۰ ° ۱۷۹

## بررسی پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی در ایران و تاثیر آن بر ساختار سیاسی دهه ۵۰ خورشیدی

حسین ابوالحسن تنهایی<sup>۱</sup>، زهرا حضرتی<sup>۱</sup>، مصطفی مختاری<sup>۳\*</sup>، هاجر کلاهدوزان<sup>۳</sup>

### چکیده

این پژوهش، بررسی کیفی و در حوزه جامعه‌شناسی تاریخی است. تاریخ گونه‌ای از شناخت و آگاهی است که همواره تحت تاثیر حاکمان و نخبگان قدرت بوده است. جامعه‌شناسی تاریخی می‌کوشد تا آنچه رخ داده است را به دور از هرگونه تعصب و تعلق خاطر بررسی کند، تا شاید بتواند به کنه وقایع پی ببرد و با ارایه تحلیلی از پیامدها، بتواند شناختی منطبق بر واقعیت از پاره‌های عینی و ذهنی بدست آورد. در همین راستا، پژوهش حاضر به بررسی رخدادهای حاصل از برنامه اصلاحات ارضی شاه که در قالب انقلاب سفید انجام گرفت با تمرکز بر تاثیرات آن در دهه ۵۰ خورشیدی پرداخته است. داده‌های مورد نیاز

۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی mostafamokhtari@gmail.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری گردیده است و تلاش شده است با بهره‌گیری از فن مصاحبه و گفتگو، تحلیل دقیقتری از آنچه رخ داده است، بدست آید. ذهنیت و عینیت‌های مطرح شده در بررسی پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی در ایران و تاثیر آن بر ساختار سیاسی دهه ۵۰ خورشیدی و برآیندهای حاصل از آنها، بر اساس مدل عام (تحلیلی) دیالکتیکی استخراج گردیده و مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفته‌اند. شکل‌گیری جنبش‌های رادیکال مخالف حکومت اعم از مذهبی و غیر مذهبی و ایجاد چالش در جامعه به خاطر مرحله گذار از سنت به مدرنیسم از برآیندهای مدل تحلیلی بکار رفته شده در این پژوهش بوده و نتیجه بدست آمده از این تحقیق نشان دهنده تاثیر بالای اصلاحات ارضی بر تغییر ساختار سیاسی در دهه ۵۰ خورشیدی و شکل‌گیری انقلاب ۵۷ در ایران است.

**واژه‌های کلیدی:** اصلاحات ارضی، ساختار سیاسی، انقلاب ایران.

## مقدمه

انقلاب سفید، انقلابی بود که شاه ایران به توصیه جان کندی، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا، و برای جلوگیری از بروز انقلابی سرخ در ایران انجام داد و اصلاحات ارضی، محور این انقلاب بود که از بیم ایجاد انقلابی دهقانی همچون انقلاب چین (۱۹۴۹) صورت گرفت. اصلاحاتی که بدون شک تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فراوانی بر ساخت جامعه در ایران از خود به جای گذاشت. ساختی که با باورهای مذهبی عجین شده بود. عمده مخالفان اصلاحات را سه گروه تشکیل می‌دادند که عبارت بودند از: مارکسیست‌ها، ملاکین بزرگ و بزرگترین و قوی‌ترین ایشان، روحانیون؛ که به نظر می‌رسد دلیل مخالفت عمده روحانیت با اصلاحات ارضی، نه فتوادل بودن ایشان و پایگاه طبقاتی‌شان بلکه بیشتر تعارضات این اصلاحات با اصول اسلام بود. و همین نکته است که توفیق اصلاحات ارضی و شیوهی اجرای آن در ایران را دچار چالش می‌نماید. آنچه مسلم است بررسی اصلاحات ارضی در ایران و شناخت و تحلیل آن می‌تواند ما را در حل بسیاری از مسایل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی ایران در آن دوره‌ی خاص از جمله انقلاب ۱۳۵۷ یاری نماید. با توجه به بررسی‌های پژوهش، به نظر می‌رسد که هرچند ایده‌ی اصلاحات ارضی ضروری بوده است، اما در طراحی

و اجرا چندان موفقیتی نداشته و تغییرات ساختاری آن در جامعه یکی از دلایل بزرگ انقلاب ۱۳۵۷ در ایران بوده است. این پژوهش تلاش می کند تا با بهره گیری از جامعه شناسی معرفت (شناخت) که شکل گیری شناخت یا آگاهی کنشگر را در بستر شرایط اجتماعی-تاریخی، در سطح خرد و کلان تبیین می کند و با خصلت بازاندیشانه ای که دارد از روند تحولات جامعه، افسون زدایی می کند، بتواند به تبیین و تحلیل تاریخی مبتنی بر هم فراخوانی پاره عینی (شرایط اجتماعی-تاریخی) و پاره ذهنی (آگاهی و تفکر) دست یابد. با این نگاه این مطالعه تلاش دارد با پاسخگویی به پرسش‌هایی که پیرامون طبقه تاثیرگذار در قدرت و خارج از قدرت (طبقه متوسط شهری و روستایی و طبقات متوسط در برابر طبقات فرادست) و تاثیرات اصلاحات ارضی بر ساختار اقتصادی جامعه و به دنبال آن دگرگونی‌های سیاسی حاصل از آن و رفتار جمعی مردم مطرح کرده است، به بررسی پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی در ایران و تاثیر آن بر ساختار سیاسی دهه ۵۰ خورشیدی بپردازد تا شاید این یافته‌ها برای آیندگان و تصمیم گیرندگان جامعه راهگشا باشد.

## بیان مسأله تحقیق

طرح مسأله یا تعیین موضوع تحقیق در فرایند پژوهشی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. هر چه موضوع یا مسأله مورد پژوهش دارای مبانی علمی تری باشد، پژوهش هم در همان راستا علمی تر و عینی تر خواهد بود. این امر نیازمند شناخت و تحقیق علمی و عمیق، و رای هرگونه عادت و کلیشه گرایی است. ایران در خلال سال‌های ۴۰ و ۵۰، کشوری است که از سویی، خاطره کودتای نظامی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را که با دخالت بیگانگان به وقوع پیوست و از سوی دیگر، خاطره کوتاه مدت حکومت قانون، مدنیت و آزادی بیان دوران مصدق و نیز فریبکاری‌ها و بازی‌های سیاسی - چه از ناحیه گروه‌ها و احزاب مخالف و چه از ناحیه گروه‌ها و احزاب موافق حکومت - را در حافظه خود جای داده است. از طرف دیگر مدرنیسم و تجدد ظاهری، با مشخصه مصرف گرایی و رشد روزافزون خرده بورژوازی ناشی از درآمدهای نفتی - به صورت نوسازی از بالا توسط حکومت وقت - دور هنگام‌تر از کشورهای اروپایی، در فضای فرهنگی بسیار سنتی و پدرسالاری آن زمان در حال تکوین است. حکومت توتالیتر وقت،

احزاب سیاسی مخالف را منحل کرده و به قلع و قمع و تصفیه افراد مخالف پرداخته است؛ حکومت به اجرای بسته‌های فرهنگی و اصلاحات فرمایشی داخل چهارچوب مانند انقلاب سفید (اعم از اصلاحات ارضی، حق رأی زنان و...) برای استیلای بیشتر و ایجاد جامعه تک‌صدایی منسجم، دست زده است. از طرف دیگر، تأسیس سازمان‌های اطلاعاتی مانند ساواک و رکن دوم، تقویت ارگان‌های نظامی نظیر ارتش، شهربانی و ژاندارمری حالتی کاملاً میلیتاریستی در کشور ایجاد کرده است. روشنفکران سرخورده از احزاب مخالف حکومت وقت از یکسو با فضای سنگین استبداد، سانسور و خفقان حاکم بر کشور و از سوی دیگر عدم همراهی مردم روبرو هستند. اصلاحات ارضی شاید مهم‌ترین و تأثیرگذارترین جز انقلاب سفید محمدرضا پهلوی است، موضوعی که از صدر مشروطیت مطرح بوده و طالبوف نماینده تبریز در یکی از نوشته‌های خود به آن اشاره کرده است. به دلایل بسیاری انقلاب مشروطه به تغییر در مناسبات مالکیت و زمین نیانجامید، و از این رو این تحول موضوع پژوهش حاضر قرار نمی‌گیرد. پیرامون اصلاحات ارضی کتاب‌ها و مقالات بسیاری نگاشته شده است اما کمتر کسی به تأثیر این اصلاحات بر انقلاب ایران و مواضع منتقدین و موافقین و دلایل ایشان پرداخته است. در پژوهش حاضر بر این نکته تأکید شده است که در حالی که قاعدتاً می‌باید روستاییان از اصلاحات ارضی منتفع شده باشند، به نظر می‌رسد این اصلاحات حداقل به سه دلیل موجب پیوستن ایشان به صف انقلابیون سال ۵۷ ایران گردیده است:

نخست: رسیدن به این باور که رعیت ارباب بودن و عدم اعتراض، توسط خداوند در تقدیر ایشان قرار داده نشده است و ممکن است که این وضعیت تغییر کند.

دوم: مهاجرت روستاییان به شهرها موجب پدید آمدن قشر عظیمی از کارگران روزمزد، حاشیه‌نشینان و خوش‌نشینان در شهرهای بزرگ گردید و

سوم: بالا رفتن سطح آگاهی روستاییان در نتیجه افزایش ارتباط ایشان با شهرها و گسترش طبقه متوسط شهری.

با توجه به آنچه بیان شد، این پرسش‌های اساسی در ذهن شکل می‌گیرد که تأثیر اصلاحات ارضی در انقلاب ایران تا چه اندازه بوده است؟ آیا روستاییان در انقلاب ایران نقشی بر عهده داشتند؟ آیا اصلاحات ارضی تأثیری بر فرآیند مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها داشت؟

آیا می توان از مهاجرت های گسترده روستاییان و در نتیجه اصلاحات ارضی به عنوان دلایل اقتصادی انقلاب ایران نام برد؟

### حدود مطالعه

پژوهش حاضر از دو منظر تاریخی و جغرافیایی محدود گردیده است. از نگاه تاریخی این پژوهش اواسط سده چهاردهم خورشیدی و به ویژه فاصله زمانی بهمن ماه سال های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ را مورد بررسی قرار می دهد و از نظر جغرافیایی به طور مشخص جامعه ایرانی و حدود مرزی آن مورد نظر بوده است. در این پژوهش به جهت حفظ اختصار از تاثیر عوامل خارجی بر فرآیند مورد مطالعه سخنی به میان نیامده است و از نقل و نقد صاحب نظران سیاسی آن دوره پرهیز شده است تا اجمال طرح حفظ گردد. به هر روی آنچه گفته شد می تواند موضوع پژوهش گسترده تری باشد.

### اهداف مطالعه

هدف کلی از این مطالعه "بررسی پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی در ایران و تاثیر آن بر ساختار سیاسی در دهه ۵۰ خورشیدی" بوده است و اگر مسیر پژوهش بیش از جنبه های سیاسی، نگران جنبه های اقتصادی این برهه تاریخی به نظر می رسد، از آن رو است که اصلاحات ارضی اولاً و بالذات رخدادی اقتصادی به شمار می رود و اگر نتایج سیاسی آن موضوع پژوهشی باشد، بی تردید مسیر کلی پژوهش باید از شاهراه اقتصاد بگذرد، هر چند در مورد دیگر رویدادهای تاریخی نمی توان چنین اظهار نظری کرد.

### اهداف جزئی:

- ۱: بررسی و تاثیر اصلاحات ارضی در شکل گرفتن طبقه متوسط شهری در ایران
- ۲: بررسی تاثیرات اصلاحات ارضی بر رفتار و ساختار اقتصادی جامعه ایرانی در دهه ۵۰ خورشیدی
- ۳: بررسی تغییرات ساختار اقتصادی جامعه ایران در پی اصلاحات ارضی و نتایج مستقیم سیاسی حاصل از این دگرگونی اقتصادی

## اهمیت مطالعه

اصلاحات ارضی در ایران به حدی اهمیت داشت که شاید بتوان گفت عدم توفیق آن به انقلاب ۱۳۵۷ و سقوط رژیم دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی در ایران انجامید. بر هم خوردن مناسبات تولید و مالکیت ابزار تولید در کشور سبب شد که مناسبات اقتصادی فئودالی پایان گرفته و کشور به دوره‌ی اقتصادی بورژوازی کمپرادور وارد شد. این دوره، مقدمه‌ای برای هر چه وابسته‌تر شدن کشور به نفت بود. اقتصاد تک‌محصولی دوره پهلوی، آثار مخرب خود را تا بعد از انقلاب اسلامی نیز باقی گذاشت. بررسی دوره تاریخی مورد نظر از این جهت در نهایت اهمیت قرار دارد.

به نظر می‌آید اصلاحاتی که برای جلوگیری از انقلابی سرخ و یا انقلابی از جنس چینی (مائوئیستی) انجام گرفت؛ با توجه به عدم برنامه‌ریزی صحیح و کنار رفتن مجریان و ایده‌پردازان اصلی طرح و افتادن آن به دست شاه و دیگرانی که آن را بیشتر برای برد تبلیغاتی یا از سر رفع تکلیف انجام می‌دادند، منجر به نتایجی معکوس شده و تنها در نوع انقلاب تغییری ایجاد نمود. نقش روستاییان در انقلاب ایران، نقشی غیرقابل انکار است؛ و به نظر می‌رسد که اصلاحات ارضی مایه‌ی پیوستن ایشان به صف انقلابیون ۱۳۵۷ شد.

## ادبیات و پیشینه تحقیق

پژوهش‌های مربوط به اصلاحات ارضی را می‌توان به دو دوره‌ی کلی تقسیم کرد؛ یکی پژوهش‌هایی است که پیش از انقلاب ایران انجام شده‌اند و دیگری، پژوهش‌هایی که پس از انقلاب انجام شده‌اند. پژوهش‌های پیش از انقلاب، عمدتاً نگاهی مثبت به این فرآیند دارند و وقوع آن را ضروری قلمداد می‌کنند. تکیه غالب آنها بر صنعتی شدن کشور و ورود به دروازه تمدن بزرگ است. این کار، به ویژه به مکانیزه کردن کشاورزی رخ داده است که آن هم به اصلاحات ارضی راجع می‌گردد.

در پژوهش‌های پس از انقلاب، نگاهی بی‌طرفانه‌تر به این رویداد مشاهده می‌شود. به دلیل فاصله زمانی نسبتاً قابل توجه بین اصلاحات ارضی و انقلاب، تعصبات عمومی پیرامون لزوم انتقاد صریح از این رویداد، یا اصولاً دیده نمی‌شود، یا کمتر قابل مشاهده است. امروز

اصلاحات ارضی از موضوعی سیاسی، به موضوعی تاریخی تغییر ماهیت داده و لذا بررسی بی طرفانه و جامع از آن، امکان پذیر شده است.

داوودزاده (۱۳۵۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی پیرامون نقش اصلاحات ارضی در توسعه اقتصادی ایران» که در آبان ۱۳۵۰ مورد دفاع قرار گرفته است، هیچ بحثی پیرامون نتایج حاصل از اصلاحات ارضی نمی رود، یا دست کم هیچ بحث انتقادی در این رابطه مطرح نمی گردد. بی شک، یکی از دلایل فقدان این بحث، فاصله‌ی زمانی اندکی است که این پایان نامه با وقوع اصلاحات ارضی دارد. آغاز اصلاحات ارضی در ۱۳۴۱، و دفاع از این پایان نامه نه سال بعد، در ۱۳۵۰ بوده است. اما فارغ از این شتابزدگی، باید به نگاه یک سویه‌ی پژوهشگر نیز اشاره کرد: وی تنها متوجه فقدان ابزار تولید جدید و در نتیجه، نابسامانی‌های کشاورزی ایران تا پیش از وقوع اصلاحات ارضی بوده و این اصلاحات را در تمام جوانب آن، مثبت و قابل دفاع ارزیابی کرده است. اجازه دهید این امر را به شتابزدگی پژوهشگر نسبت دهیم.

زنگنه (۱۳۵۱) در پژوهشی با عنوان «آثار اجتماعی و اقتصادی شرکت‌های سهامی زراعی و اهمیت آن در تحول اصلاحات ارضی ایران» از تر خود دفاع کرد. در این بررسی، اثری از پژوهشی جامعه‌شناختی و تحلیل گرانه به چشم نمی خورد، بلکه نگارنده در صدد شرحی از اصلاحات ارضی، از جنبه حقوقی بوده و لذا مراحل مختلف اجرای این اصلاحات را مورد ارزیابی قرار داده است. خود پژوهشگر، در مقدمه توضیح داده است که: «به علت این که شرکت‌های سهامی زراعی هنوز هم مراحل اولیه‌ی رشد و تکامل را می پیماید، نتیجه گیری دقیق و صحیح ممکن نخواهد بود.»

پژوهشی دیگر با عنوان «نقش اصلاحات ارضی در نهادها و گروه‌های اجتماعی و اقتصادی ایران» اثر محمد خوشنام تهرانی در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه ملی در دی ماه ۱۳۵۳ مورد دفاع قرار گرفته است. در این پایان نامه نیز از جهش بزرگی که اصلاحات ارضی برای ایران به دنبال آورده بود، سخن گفته شده و ابعاد مثبت این اصلاحات به شدت برجسته شده‌اند، و شوربختانه مجدداً هیچ رویکرد انتقادی، یا اشاره‌ای به روند مهاجرت‌های چشمگیر نشده است.

شاهوردی (۱۳۷۱) در پژوهشی با عنوان «اصلاحات ارضی و پیامدهای سیاسی - اجتماعی

آن در ایران» را به راهنمایی دکتر سید کاووس سید امامی در دانشکده‌ی علوم سیاسی و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع) ارائه داد که ضروری است بخش‌هایی از آن مورد اشاره قرار گیرند. وی کوشیده است روند پژوهش خود را با انطباقی میان فنودالیزم اروپا و نظام ارباب و رعیتی در ایران پیش برد، (شاهوردی؛ ۳۷-۳۰: ۱۳۷۳) که در نتیجه آن به تفکیک به اقشار اجتماعی پیش و پس از این رویداد پرداخته است؛ (شاهوردی؛ ۳۲۳-۳۰۹: ۱۳۷۳) پژوهش حاضر، نظام فنودالی و ارباب - رعیتی را نظام‌های واحدی نمی‌داند؛ تفصیل دلایل تمایز این دو نظام را می‌توان در پژوهش‌های اقتصاد سیاسی، به ویژه نزد همایون کاتوزیان، عباس ولی و احمد اشرف یافت که در اینجا از تفصیل مطلب خودداری می‌کنیم. از سوی دیگر، تقسیم اقشار به نحو صورت گرفته در این پایان‌نامه، به درجاتی از انتزاع متوسل می‌شود که به نظر پژوهش حاضر، آن درجه از انتزاع‌گرایی، به یک پژوهش در حوزه‌ی جامعه‌شناسی لطمه وارد می‌سازد. شاهوردی بخشی از پژوهش خود را نیز به روند مهاجرت روستاییان به شهرها اختصاص داده است: (شاهوردی؛ ۳۳۴-۳۲۹: ۱۳۷۳) و در بخش دیگری، از تأثیر اصلاحات ارضی بر انقلاب ایران سخن می‌گوید (شاهوردی؛ ۳۰۸-۳۰۰: ۱۳۷۳) البته وی این دو جنبه‌ی مختلف از تأثیرات اصلاحات ارضی را به هم پیوند نمی‌زند، و این دقیقاً برنامه‌ای است که در سراسر پژوهش حاضر، محور قرار گرفته است.

نجفی (۱۳۷۴)، در پژوهشی با عنوان «اصلاحات ارضی و تأثیر آن در دگرگونی ساختار سیاسی ایران» را به راهنمایی دکتر علیرضا ازغندی در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس مورد دفاع قرار داد. این بررسی به علل و اهداف ناگفته این اصلاحات می‌پردازد. برای نمونه، به نظر او، تحکیم و تثبیت اقتدار رژیم در داخل و کسب پرستیژ و حمایت بین‌المللی، از مهم‌ترین این اهداف به شمار می‌روند. (نجفی؛ ۵۸: ۱۳۷۴) اما در نهایت به تغییرات ناشی از اصلاحات ارضی می‌پردازد: تغییراتی در هرم قدرت سیاسی حاکم، بافت نخبگان، روحیات حکومتی شاه، گسترش تشکیلات بوروکراتیک دولت و نهایتاً شدت‌گیری تحركات اجتماعی. نجفی ضمن تحلیل تغییر اخیر، از افزایش سیل آسای مهاجرت نیز سخن می‌راند (نجفی؛ ۱۳۷-۱۲۵: ۱۳۷۴) که این جنبه از نتایج اصلاحات ارضی، محور پژوهش حاضر قرار گرفته است.



جباری (۱۳۸۴) به «بررسی تطبیقی نوسازی و اصلاحات ژاپن و ایران در دوره معاصر» در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به راهنمایی دکتر احمد موثقی مورد دفاع قرار گرفته است، بخش بسیار کوچکی با پژوهش حاضر همخوانی دارد؛ بخشی که در فصل چهارم، به پژوهش تطبیقی اصلاحات ارضی و مالی ژاپن و ایران می‌پردازد. (جباری؛ ۱۶۰-۱۵۲: ۱۳۸۴)

رفیعی قهساره (۱۳۸۶) در پژوهشی «اصلاحات ارضی و تأثیر آن بر مشروعیت رژیم شاه در روستاها» را به راهنمایی دکتر مصطفی ملکوتیان در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران مورد دفاع قرار داد. این پژوهش می‌کوشد تصویری دقیق را از وضعیت معیشتی و اقتصادی روستاهای ایران تا پیش از وقوع اصلاحات ارضی ارائه دهد؛ این تصویر، به ویژه شامل تأکیدی بر نظام قشربندی روستاییان نیز هست که به جهت حظی که از انتزاع می‌برد، مورد توجه پژوهش حاضر قرار نگرفته است. در ادامه نیز به نارضایتی‌های ناشی از اصلاحات ارضی و نقش این نارضایتی‌ها در انقلاب ایران می‌پردازد. البته رویکرد وی با رویکرد پژوهش حاضر، یکسره متفاوت است. پژوهش حاضر، این استدلال را دنبال می‌کند که روستاییان کشاورز با وقوع اصلاحات ارضی، بار سفر را به شهرها بستند و نیروی لومپن پرولتر را تشکیل دادند، و اگر نه به موتور محرک انقلاب، دست کم به یکی از مخرب‌ترین عناصر علیه نظم حاکم تبدیل شدند. رفیعی قهساره به روستاییانی توجه نشان داده است که به شهرها مهاجرت نکردند، و در روستای خود ماندند. (رفیعی قهساره؛ ۱۵۴-۱۴۸: ۱۳۸۶) و از این جهت، وی تأثیر اصلاحات ارضی بر روستاییان را مورد بحث قرار می‌دهد.

### چهار چوب نظری تحقیق

هر پژوهش برای اینکه جهت‌گیری منظمی داشته باشد، باید از مبنای نقطه نظر یا چشم‌انداز خاص و ویژه‌ای مسأله را واری و مورد بررسی قرار دهد تا رویکرد یکنواخت و منظمی را در فرایند تحقیق داشته باشد. از این رو است که طرح چهارچوب نظری که بتوان از آن طریق مسأله را واری نمود ضروری می‌نماید. چهارچوب‌های نظری که در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرند، با نگاهی به پس‌زمینه‌های تاریخی آن انتخاب شده است. در این

پژوهش تلاش می‌شود از نظریات نظریه پردازان پیرامون انقلاب و توسعه اجتماعی استفاده گردد. پژوهشگر می‌کوشد مدل‌های سیاسی عصر اصلاحات را استخراج کرده و داده‌های این پژوهش اسنادی را این گونه مورد بررسی قرار دهد. همچنین، در این پژوهش از نظریات توسعه و توسعه اجتماعی و نظریه هیجان جمعی بلومر بهره‌گیری خواهد شد. از جنبه‌های سیاسی، مدل‌های گنگتون در بررسی دگرگونی‌های اجتماعی محور این پژوهش قرار گرفت و در زمینه‌های تعمیم مدل نظری بر داده‌های تاریخی گردآمده در طرح حاضر، روش فرامرز رفیع پور از دو کتاب توسعه و تضاد و آناتومی جامعه اقتباس شده است.

از آنجا که این پژوهش به دنبال بررسی پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی در ایران و تاثیر آن بر ساختار سیاسی دهد ۵۰ خورشیدی است، در حوزه جامعه‌شناسی تاریخی قرار دارد. با توجه به آنچه گفته شد، در این پژوهش از نظریه مفهوم عام دیالکتیک (مفهوم تحلیلی دیالکتیک) و جامعه‌شناسی معرفت (شناخت) دکتر حسین ابوالحسن تنهایی به عنوان چارچوب نظری استفاده گردیده است.

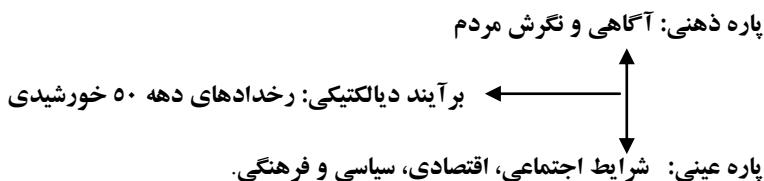
تنهایی، پارادایم دیالکتیک تفسیرگرایی را در جامعه‌شناسی شناخت ارائه کرده است: «در این دیدگاه تأکید بر فعالیت آدمی، چه به صورت فردی یا جمعی، مهمترین نقطه‌ی عزمی است که تفسیرگرایی را از عوامل‌گرایی جدا می‌کند. در این دیدگاه، نه ذهن تعیین‌کننده است و نه عین. به عبارت دیگر، نه عین تعیین‌کننده‌ی ذهن است و نه ذهن تعیین‌کننده‌ی عین. در این پارادایم نظری مهمترین اصل، مردود تلقی کردن تعیین‌گری هر گونه عامل یا متغیر، اعم از عوامل ذهنی و عینی است. ضمن اینکه هستی و رابطه‌ی متقابل هر دو پاره و یا هر دو لایه از واقعیت - یعنی پاره یا لایه‌های ذهنی و عینی - نیز در فرایند تحلیل به شمار می‌آیند. در رابطه متقابل این دو لایه از واقعیت، مهمترین نقش به تفسیر اجتماعی انسان تاریخی داده می‌شود.» (تنهایی، ۱۳۹۱، ۱۰۸).

تنهایی در جامعه‌شناسی شناخت بهترین روش تحلیل را روش دیالکتیک می‌داند. دیالکتیک مطرح توسط تنهایی، فراتر از همه انواع و اسلوبهای دیالکتیکی است. یعنی روش دیالکتیکی عام و فراگیری که تمام اسلوبهای دیالکتیکی را در بر می‌گیرد. دیالکتیک مورد نظر دکتر تنهایی، برآیند حاصل از هم‌فراخوانی دو پاره یا دو عنصر عین و ذهنی است: «فکر

دیالکتیک، یعنی هم فراخوانی دوپاره یا دو عنصر مهم یک واقعیت را به بررسی گذارده‌اند: یکی عنصر ذهن و دیگری عنصر عینی.» (تنهایی، ۱۳۸۹، ۱۲۲). تنهایی، کاربرد روش دیالکتیکی را در جامعه‌شناسی شناخت به عنوان کلیدی برای فهم، تبیین و تفسیر مکانیزم و پویایی فرایندها، لازم می‌داند: «مهمترین نکته در جامعه‌شناسی شناخت پیدا کردن ریشه‌ها و سرچشمه‌های شناخت است. به نظر می‌رسد بهترین رویکرد در جامعه‌شناسی شناخت برای پیدا کردن این سرچشمه‌ها آن است که در تحلیلی دیالکتیکی عناصر ذهنی و عینی پدید آورنده‌ی آگاهی بررسی و بازنگری شوند. یعنی بایستی رابطه‌های میان پاره‌های ذهنی تمدن و فرهنگ یا علم و یا فلسفه، و پاره‌های عینی آن، یعنی جامعه‌ی تاریخی و شرایط اقتصادی و اجتماعی بررسی شوند.» (تنهایی، ۱۳۹۱، ۱۰۶).

## مدل نظری

مدل نظری ساختاری است که به محقق امکان می‌دهد تا داده‌ها را با نظم و روال خاصی جمع‌آوری کرده و در چهارچوب مشخصی به تحلیل و تبیین داده‌ها پردازد. این تحقیق از مدل عام یا تحلیلی دیالکتیک دکتر تنهایی، که از آن با عنوان فکر دیالکتیکی یا معنای مدرن دیالکتیک هم نام برده می‌شود، استفاده کرده است. مدل تحلیلی دیالکتیک - فراتر از تعبیرها و کاربردهای مکتبی از دیالکتیک مانند اسلوب مکتبی هگل - از برآیند حاصل از هم فراخوانی پاره عینی و پاره ذهنی، تشکیل شده است. «فکر دیالکتیک، یعنی هم فراخوانی دوپاره یا دو عنصر مهم یک واقعیت را به بررسی گذارده‌اند: یکی عنصر ذهنی و دیگری عنصر عینی.» (تنهایی، ۱۳۸۹، ۱۲۲).



### پاره‌های ذهنی: آگاهی و نگرش مردم عبارتند از:

- رشد و رواج ایدئولوژی‌های سیاسی مخالف حکومت وقت با تاثیر پذیری از جریانات جهانی
- بالا رفتن آگاهی‌های مردم نسبت به حقوق مدنی، شهروندی و مقوله رفاه اجتماعی
- اشاعه تفکرات مبتنی بر عاملیت انسانی، مشارکت در سرنوشت جامعه و رد تفکرات سنتی نظیر تقدیر گرایی
- بالا رفتن سطح آگاهی‌ها بر اثر تحصیلات دانشگاهی و رشد و گسترش علوم جدید و شیوه‌های نوین آموزشی در کشور
- رشد و رواج ارزش‌های مذهبی به ویژه تشیع، مبتنی بر عدم جدایی دین از سیاست

### پاره‌های عینی: شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی عبارتند از:

- برهم خوردن سامان و نظم سنتی جامعه بر اثر ورود مظاهر مدرنیته به کشور
- اجرای طرح‌های نوسازی توسط حکومت در جامعه سنتی<sup>۰</sup> مذهبی
- حاکمیت استبداد، خفقان و ایجاد فضای سانسور، سرکوبی و ترس
- گسترش شکاف طبقاتی (با انجام اصلاحات ارضی و سرازیر شدن درآمدهای نفتی به کشور و رونق صنایع مونتاژ)
- تغییر سبک زندگی مردم از سنتی به مدرن
- تعارض، تضاد و عدم همخوانی سیاست‌های حکومت وقت با ارزش‌ها و نهادهای سنتی<sup>۰</sup> مذهبی جامعه و فضای سنتی<sup>۰</sup> مذهبی کشور
- شکل‌گیری قشرهای جدید جامعه بر اثر اصلاحات ارضی و نوسازی در کشور
- بالا رفتن بیکاری بر اثر از بین رفتن مشاغل سنتی و شکل گرفتن بیکاری نوع جدید بر اثر ورود مدرنیته وارداتی و پدید آمدن بحران‌های مالی جدید (بر اثر کاهش درآمدهای ارزی)

## برآیندهای دیالکتیکی حاصل از هم‌فراخوانی شرایط عینی و ذهنی (رخدادهای دهه ۵۰ خورشیدی) عبارتند از:

- شکل‌گیری جنبش‌های رادیکال مخالف حکومت اعم از مذهبی و غیر مذهبی
- ایجاد چالش در جامعه به خاطر مرحله گذار از سنت به مدرنیسم
- آگاهی، رشد و تقویت همبستگی اجتماعی مردم پیرامون آنچه نمی‌خواهند

### پرسش‌ها یا فرضیه‌های تحقیق

از آن‌جا که این تحقیق به بررسی پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ در ایران و تأثیر آن بر ساختار سیاسی پس از خود می‌پردازد، یک تحقیق اکتشافی است و در تحقیقات اکتشافی، پرسش تحقیق مطرح می‌گردد. در این بررسی تلاش می‌شود به چند پرسش زیر پاسخ داده شود:

- ۱: آیا شکل گرفتن طبقه متوسط شهری تأثیری بر انقلاب ایران داشت؟
- ۲: آیا اصلاحات ارضی بر ساختار اقتصادی جامعه‌ی ایران و رفتار جمعی مردم در مقابل این ساختار در دهه ۵۰ خورشیدی تأثیر گذار بوده است؟
- ۳: آیا تغییر ساختار اقتصادی جامعه ایرانی، به نحو مستقیم در دگرگونی‌های سیاسی پس از آن تأثیر گذار بود؟

### رهیافت پژوهش

هر تحقیق دارای رویکرد پژوهشی است و رهیافت پژوهش، اثر بنیادی در برگزیدن نوع روش و فنون تحقیق مناسب دارد. هر نوع پژوهش بنا بر شرایط و ویژگی‌های موضوع مورد تحقیق یا «رشد تاریخی»<sup>۱</sup> است که به گذشته باز می‌گردد و یا «رشد پیمایشی»<sup>۲</sup> است که زمان حال را در بر می‌گیرد یا «رشد ارزشی»<sup>۳</sup> است که به آینده مرتبط است. از آنجایی که این تحقیق به بررسی پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی در ایران و تاثیر آن بر ساختار سیاسی

1 . historical approach

2 . survey approach

3 . valuative approach (Futural)

دهد ۵۰ خورشیدی می‌پردازد، پس رسش تحقیق، رسش تاریخی یا گذشته‌ای است. «اگر موضوع مورد مطالعه در گذشته اتفاق افتاده باشد و یا به شکلی مربوط به گذشته باشد از رسش تاریخی (Historical approach) یا رسش گذشته‌ای استفاده می‌شود.» (تنهایی و نکهت، ۱۳۷۸، ۸۸). رسش تاریخی، رسشی است که هم در حوزه کلان و هم در حوزه خرد کاربرد دارد و سعی بر این است تا در این روش از اسناد باقی مانده، به تبیین و تحلیل اوضاع گذشته پرداخته شود. «تحقیق تاریخی را روشی برای توصیف رویدادهای گذشته، تجزیه و تحلیل این رویدادها و کشف روابط بین آنها به منظور شناخته‌گشته و حال می‌دانند.» (پاشا شریفی و پاشا شریفی، ۱۳۸۰، ۲۹۰). در رسش تاریخی اگرچه فاصله محقق با زمان موضوع مورد بررسی زیاد است، ولی از جانب دیگر، محقق به علت گذشت زمان دید واقع‌بینانه و درک بهتری نسبت به موضوع مورد پژوهش پیدا کرده است و کمتر تحت تأثیر فضای رخ دادن موضوع و در نتیجه پیشداوری است. هنگامی که پژوهش به مطالعه، «یک پدیده واحد، پردازد» طرح تحقیق مطالعه موردی است. «روش موردی فی نفسه شیوه‌ای در تحقیق جامعه‌شناسی است که از طریق آن سعی شود مطالعه یک پدیده معمولی یا یک مورد خاص، با مشاهده تمامی جوانب آن، بررسی فرایندش در ارتباط با دیگر پدیده‌هایی که آنرا احاطه کرده‌اند، به عمل آید.» (بیرو، ۱۳۷۰، ۶۹). ساروخانی در توضیح مطالعه موردی بیان می‌دارد: «تحلیل موردی در زمینه‌های گوناگون به کار می‌رود و در هر زمینه معنای خاصی دارد، وجه مشترک همه صور و کاربردهای این نوع مطالعه چنین است: بر اساس این نوع مطالعه هر واحد اجتماعی همچون یک کل به حساب می‌آید. این واحد می‌تواند یک فرد، یک سازمان، یک خانواده یا حتی یک جامعه باشد (مطالعه یک اجتماع به عنوان یک واحد). از اینرو به نظر گودومات، روش موردی پیش از همه یک رویکرد است که بر اساس آن هر واحد اجتماعی همچون یک کل در نظر گرفته می‌شود. حال این واحد می‌تواند یک فرد، یک خانواده، یک نهاد اجتماعی و حتی یک جامعه باشد.» (ساروخانی، ۱۳۸۸، ۲۹۶). با توجه به اینکه ما به دنبال بررسی پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی در ایران و تاثیر آن بر ساختار سیاسی دهه ۵۰ خورشیدی هستیم، بنابراین پژوهش ما از نظر وسعت و عمق، مطالعه موردی است.

## یافته‌های پژوهش

### فرآیند اصلاحات ارضی در ایران (مقدمه‌ای تاریخی)

در این بررسی، از سه دسته منابع تاریخی استفاده شده است؛ یکی منابع موافق اصلاحات ارضی، که بیشتر به نتایج مثبت این فرآیند تاریخی توجه دارند؛ دوم مخالفان این اصلاحات، که با توجه به مشی و ایدئولوژی خود، به دلایل متفاوت، و بعضاً متعارضی با اصلاحات ارضی مخالفت می‌ورزند. سومین دسته، ناظران بی‌طرف‌اند. ناظران بی‌طرف، در پژوهش حاضر، اغلب ملیت غیرایرانی دارند. اگرچه یک ناظر بی‌طرف معمولاً منبع قابل اعتمادی به شمار می‌رود، اما برخی از افرادی که در متن جامعه ایران حضور نداشته‌اند، با بی‌اطلاعی از وضعیت این جامعه، اطلاعاتی مغشوش و بعضاً نادرست به خواننده منتقل می‌نمایند. برای نمونه، رولف بنی که در آن زمان در ایران حضور داشته و به احتمال قوی، با دست‌اندرکاران این پروژه در تماس بوده است، می‌نویسد:

«شهریار ایران یک مصلح باوجدان اجتماعی هستند و تدابیر و اقدامات‌شان، که موجب ازهم پاشیدن نظام ارباب و رعیتی دیرین شده است، برخی اوقات خشم بسیاری از املاک شخصی خودشان را بین روستاییان تقسیم و به این ترتیب اصلاحات ارضی را آغاز کردند و به سایر ملاکان ثروتمند دستور دادند که به ایشان اقتدا کنند. در ژانویه ۱۹۶۳ ایشان رفراندومی را تصویب نمودند که به موجب آن، مسلمانان مجبور شدند هزاران جریب از اراضی مذهبی [موقوفات؟! خود را به کشاورزان تهیدست واگذار کنند.]» (بنی؛ ۱۰: ۱۳۸۵)

### وضعیت اراضی پیش از انجام اصلاحات ارضی

یک تحلیلگر مارکسیست، در توضیح وضعیت توزیع زمین در ایران آن دوره، می‌نویسد: «مالکین در میان نمایندگان مجلس، صاحب منصبان و کارمندان دولتی و به نسبت کمتری میان تجار و متخصصان، از سایر طبقات بیشترند. زمین در میان اعضای همان خانواده برای مدت نامحدود باقی می‌ماند و از طریق وراثت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد.» (سوداگر؛ ۱۳۲: ۱۳۵۹).

«فریزر»، به عنوان یک ناظر خارجی، از کشاورز ایرانی چنین یاد می‌کند: «هیچ طبقه از

مردم را نمی‌توان یافت که به قدر دهقانان و بزرگان ایرانی مهنّت زده و زحمتکش باشند. پیوسته به زور از آنان مال می‌ستانند و به آنان ستم می‌کنند و دهقانان را از این معنی گریزی و گزیری نیست. آنچه بیشتر دل آدمی را به درد می‌آورد این است که ظلم و ستم را، نه از حیث کمیت پایانی است و نه از نظر کیفیت.» (پورافضل و نجفی؛ ۲۳: ۱۳۵۱)

### آغاز بازتوزیع زمین‌ها

از سال ۱۳۲۰ به بعد، محمد رضا پهلوی کوشید زمین‌های سلطنتی را به دولت واگذار کند. وی در این باره می‌نویسد: (پهلوی؛ ۱۷۳: ۱۳۷۱) «در سال ۱۹۴۱ با واگذاری اراضی مزروعی خود به دولت، به اقدامی دست زد که انتظار زیادی از آن داشتم. بی‌تردید این اقدام، انقلاب کوچکی را موجب می‌شد که ساختار جامعه روستایی را تغییر می‌داد. ولی چون دولت در آن زمان ترجیح می‌داد دست به ترکیب این جامعه نزند، ناچار این زمین‌ها را از دولت پس گرفتم و میان کشاورزان تقسیم کردم.»

محمد رضا پهلوی در هفتم بهمن سال ۱۳۲۹ فرمان تقسیم بیش از ۲۰۰۰ قریه و آبادی و املاک سلطنتی را صادر نمود. (مومنی؛ ۱۴۰: ۱۳۵۹) اما کار فروش املاک سلطنتی به کندی پیش می‌رفت، به گونه‌ای که به مدت ده سال به طول انجامید و بیش از یک پنجم اراضی شاه به ثروتمندان فروخته شد و رعایا سهم قابل توجهی به دست نیاوردند. (ازکیا؛ ۱۰۷: ۱۳۷۰) در دوران ۱۳۴۱-۱۳۳۲، فقط ۵۱۷ روستا از ۲۱۰۰ روستایی که رضا خان تصرف کرده بود، مابین زارعان تقسیم شد.

در آبان ۱۳۳۸، دولت لایحه‌ای به مجلس عرضه نمود که علی‌رغم مخالفت گروه‌های متنفذ و مالکان، این لایحه از تصویب مجلس که ۵۰ تا ۶۰ درصد آن را مالکان تشکیل می‌دادند، گذشت. این قانون وسعت اراضی مالکان را در اراضی آبی به ۴۰۰ هکتار و در اراضی دیمی به ۸۰۰ هکتار محدود ساخت؛ اما از آنجا که عرف محل در ایران جهت اندازه‌گیری زمین برحسب دانگ صورت می‌گرفت، هر نوع تقسیمی براساس میزان اراضی به هکتار، مستلزم مساحی دقیق قیل از اجرای قانون بود و لذا این عمل چند سال به طول می‌انجامید و طی این مدت مالکان به راحتی می‌توانستند تعداد زیادی از املاک‌شان را به قوم و نزدیکان خویش



منتقل نمایند. (از کیا؛ ۱۰۸: ۱۳۷۰)

برنامه اصلاحات ارضی سه مرحله داشت: مرحله اول، تحت رهبری ارسنجانی یک جنبش شبه‌انقلابی بود. مرحله دوم، پس از کنار رفتن ارسنجانی به گونه‌ای خاص بر چسب ضد انقلابی خورد. در این مرحله برنامه اصلی عبارت بود از سرکوب دهقانی، برقراری «قانون نظم»، حمایت از زمین‌داری خرد و متوسط. مرحله سوم، عبارت بود از اصلاحات میانه‌روانه از بالا در زمین‌هایی که دولت مالکیت آنها را تحت عنوان زمین‌های اجاره و موافقت‌نامه‌های اجاره‌داری به دهقانان ساکن آن مناطق واگذار کرده بود. سیاست‌ها و استراتژی‌های گسترده روستایی دولت در دوره انقلاب سفید در دو فاز متوالی شکل گرفت: برنامه اصلاحات ارضی دهه ۱۹۶۰ و برنامه‌های روستایی دهه ۱۹۷۰. اجرای این برنامه‌ها همگام با رشد سریع جمعیت و توسعه اقتصادی شهری، منجر به ایجاد دگرگونی‌های بنیادی در ساختار طبقاتی روستاها و روابط زمین‌داری شد. اما ارسنجانی که بود که اصلاحات ارضی پیش و پس از او، دو برنامه متفاوت به شمار می‌رود؟

حسن ارسنجانی در سال ۱۳۴۰ با سمت وزیر کشاورزی به کابینه اصلاح طلب علی امینی پیوست و اجرای برنامه اصلاحات ارضی را عهده‌دار شد. البته مسأله اصلاحات ارضی بخشی از مبارزه علی امینی علیه کابینه دکتر منوچهر اقبال و حزب حاکم او یعنی ملیون در انتخابات مجلس سال ۱۳۳۹ بود. امینی به یک برنامه اصلاحات ارضی تدریجی در طی ده تا پانزده سال اعتقاد داشت که شامل ساکن کردن تعدادی از زمین‌داران بزرگ غایب، بهبود و توسعه مهارت‌های مدیریتی کشاورزان و تولید اقتصادی بهتر می‌شد. این‌ها دقیقاً نکاتی بود که در اجرای عملی قانون، نادیده گرفته شد و نتایج و پیامدهای ناخواسته آنها موضوع پژوهش حاضر قرار گرفته است.

ارسنجانی تحت تأثیر جنگ‌های دهقانی قرن بیستم، از گونه‌ای سوسیالیسم دهقانی و قدرت دهقانی حمایت کرد. او دستورات، مقررات و نیز یک رفتار دوم را برای اجرای استراتژی بدیع برنامه اصلاحات ارضی ایران فراهم کرد، و به ضرورت الغای فئودالیسم و روابط ارباب و رعیتی و ایجاد اعتماد بین دهقانان از طریق ایجاد یک جنبش تعاونی اعتقاد داشت. وی ایده پرولتاریای انقلابی را در ایران که توسط مارکسیست‌های ارتدکس ترویج می‌شد، مورد انتقاد

قرار داد. به اعتقاد وی، دهقانان نیروی محرکه انقلاب اصیل و واقعی در ایران به شمار می‌رفتند، نه طبقه کارگر صنعتی؛ وی در این اعتقاد خود دنباله‌رو جنبش مائوئیستی در چین بود که کمتر از پانزده سال پیش از تاریخ مزبور، در چین موفق شده بود قدرت سیاسی را در دست بگیرد. این نیز شاید تا حدودی از خاستگاه خانوادگی وی ناشی می‌شد.

دقیقاً همین مواضع ارسنجانی بود که شاه را به وحشت انداخت. علی‌امینی نیز همانند شاه و امریکایی‌ها، ارسنجانی را عنصری مشکوک و غیر قابل اعتماد، خطرناک و فوق‌العاده جاه‌طلب می‌پنداشت و «فوریت» اجرای اصلاحات از طرف او را مورد استفاده قرار داده و به گفته احمد اشرف، «به وزیر اطلاعات دستور داد تا سخنرانی‌های رادیویی پر حرارت و پرتوان و تحریک‌آمیز او را سانسور کند.» (اشرف؛ ۱۱۷: ۱۳۸۳)

چنین رهیافتی در خصوص اصلاحات ارضی عموماً برای شاه و دولت کندی جذاب بود. شاه نه فقط برای خشنودی دولت کندی و عادی کردن روابطش با ایالات متحده علاقه‌مند به انجام اصلاحات ارضی بود، بلکه برای برچیدن پایه‌های قدرت طبقات زمین‌دار و به دست آوردن حمایت دهقانان برای رژیم خود و نیز برای سایه افکندن و سر در گم کردن نیروهای ملی‌گرای لیبرال مخالف شهری و گروه‌های چپ به انجام چنین اقدامی نیاز داشت. دولت کندی در ابتدای امر برای جلوگیری از رخ دادن یک انقلاب دهقانی از برنامه دولت امینی حمایت کرد. اما برداشت ارسنجانی از اصلاحات ارضی اساساً متفاوت بود.

## اهداف اصلاحات ارضی

یک پژوهشگر می‌کوشد اهداف اصلاحات ارضی را در ایران، به ترتیب زیر روشن نماید:

۱) پیدا کردن قوه خرید زارعان

۲) پیدا کردن بازار برای تولیدات صنایع شهری

۳) افزایش محصولات کشاورزی

۴) استفاده از نیروی انسانی اضافی روستائیان در صنایع شهری. (خسروی؛ ۱۵۳: ۱۳۵۸)

اهداف ذکر شده، تماماً اهدافی اقتصادی‌اند. از آنجا که پژوهش حاضر، بیش از نگاه اقتصادی به فرآیند اصلاحات ارضی، نگاهی سیاسی - اجتماعی به آن دارد، نمی‌تواند در این

حد متوقف مانده و به این تحلیل اکتفا نماید. برای نمونه، تقسیم اراضی در ایران، ضرورتی بود که ضمناً می‌توانست گروه‌های فعال مارکسیستی را نیز در داخل کشور آرام سازد. «اوژن استالی» در همین باره گفته بود: «مسائل مربوط به زمین یکی از منابع عمده کششی است که مورد بهره‌برداری کمونیست‌ها واقع می‌شود. بعضی اوقات از طرف امریکایی‌ها ظاهراً فشار احتیاط‌آمیز وارد شده تا حکومت‌هایی را که مایل نبودند اشخاص ذی‌نفع را در آن کشورها برای خاطر اصلاحات ارضی برنجانند، ترغیب به اصلاحات ارضی بنمایند. باید به دهقانان زمین داد تا کمونیسم فرصت نشو و نمو نیابد.» (مومنی؛ ۱۲۴: ۱۳۵۹)

به لحاظ نظری، اصلاحات در نظام مالکیت زمین و بازتوزیع اراضی، می‌باید منجر به افزایش پایداری ساختار سیاسی شود. هانتینگتون در این رابطه توضیح می‌دهد: «هیچ گروه اجتماعی به اندازه دهقان زمین‌دار، محافظه‌کار نیست و برعکس، هیچ کس به اندازه دهقانی که زمین ندارد و یا اجاره کلانی می‌پردازد، انقلابی نیست. دادن امتیازهای مادی به روشنفکر طبقه متوسط به نفرت و احساس گناه او دامن می‌زند؛ اما اعطای همین امتیازها به روستاییان، اسباب خرسندی آن‌ها را فراهم می‌آورد. تقسیم اراضی به وسیله انقلاب یا با وسایل دیگر، دهقانان را از حالت منبع بالقوه انقلاب در آورده و به یک نیروی اجتماعی اساساً محافظه‌کار تبدیل می‌سازد.» (هانتینگتون؛ ۵۴۴-۵۴۳: ۱۳۷۰) اما هانتینگتون ضمناً به ضعف اجرای اصلاحات توجه دارد. به عقیده وی، «استواری حکومت در کشورهای دستخوش نوسازی، تا اندازه‌ای به توانایی آن در پیشبرد اصلاحات روستایی بستگی دارد.» (هانتینگتون؛ ۵۴۳: ۱۳۷۰)

مطابق تحلیل احمد اشرف، انقلاب سفید تحت فشار دولت کندی از بالا برنامه‌ریزی و اجرا شد. نه دهقانان و نه طبقه متوسط، هیچ کدام در شروع آن مشارکت نداشتند. آغاز انقلاب سفید یک انتخاب سیاسی بود که عمدتاً از خارج از حکومت نشأت می‌گرفت، و فرآیندی بدون طرح و برنامه داشت. در نتیجه مسیر و پیامدهای آن علاوه بر اینکه تحت تأثیر بازیگران سیاسی داخلی و خارجی بود تحت تأثیر منافع مادی و غیر مادی نیروهای عمده اجتماعی نیز قرار گرفت. بازیگران اصلی عبارت بودند از: شاه، علی امینی نخست وزیر، حسن ارسنجان‌ی وزیر کشاورزی، و دولت کندی از ایالات متحده امریکا. ارزیابی دقیق صاحبان منافع و نقشی که این بازیگران سیاسی ایفا کردند، نشان می‌دهد که جهت‌گیری و اجرای برنامه اصلاحات ارضی

اساساً تحت تأثیر عقاید و انگیزه‌های شخصی حسن ارسنجانی بود که با مغتنم شمردن فرصت به عنوان «معمار اصلاحات ارضی» ایران مطرح شد. وی می‌افزاید: (اشرف؛ ۱۱۱: ۱۳۸۳) «نیروی محرک و پرتوانی که برنامه اصلاحات ارضی را به جلو می‌راند از دو امر موهوم نشأت می‌گرفت. این دو امر موهوم «انقلاب دهقانی قریب الوقوع در ایران» و «اجتناب‌ناپذیری اصلاحات ارضی به دلیل توسعه سرمایه‌داری» بود. دولت‌کندی و بسیاری از مارکسیست‌های ایران در اوایل دهه ۱۹۶۰ این توهمات را باور کرده بودند و هنوز هم بسیاری از محافل و گروه‌های مارکسیستی ایران بر توهم اجتناب‌ناپذیری اصلاحات ارضی به دلیل توسعه سرمایه‌داری اصرار می‌ورزند.»

به نظر می‌رسد وقوع اصلاحات ارضی در دوره پهلوی دوم، پایگاه اجتماعی قدرتمند مارکسیسم<sup>۵</sup> لنینیسم را در ایران به شکل موفقیت‌آمیزی از بین برده باشد. روستاییان که حدود نیمی از جمعیت کشور را در زمان انقلاب تشکیل می‌دادند، در مقابل ناآرامی‌ها و شورش‌ها بی‌تفاوت بودند. مطابق آماری که احمد اشرف ارائه داده است، از ۲۴۸۳ تظاهراتی که در حمایت از انقلاب صورت گرفت، تنها ۲ درصد آنها در مناطق روستایی بود. (اشرف؛ ۱۲۳: ۱۳۸۳) برخی از دهقانان نیز در تظاهرات ضد انقلابی شرکت کردند، همانند کسانی که در تظاهرات ضد رژیم به انجمن‌ها، بازار، ادارات محلی، وزارت آموزش و پرورش حمله کرده و منازل فعالان انقلابی را چپاول کرده بودند. با این همه، اعتراضات انقلابی روستاییان ایرانی نه از موضع مارکسیسم و مائوئیسم، بلکه از موضع اسلامی صورت گرفت. با این همه، نمی‌باید فراموش کرد که ورود خیل عظیم روستائیان به شهرها، فارغ از علایق و دلبستگی‌های ایدئولوژیک ایشان، بالقوه خطری برای ساختار حاکم به شمار می‌رفت. پژوهش حاضر نیز توجه خود را به این جنبه از پیامدهای اصلاحات ارضی معطوف می‌دارد.

### مهاجرت روستاییان و تمرکزگرایی در شهرهای بزرگ

تمرکزگرایی در بیشتر کشورهای جهان سوم، خصوصیتی عام و ناشی از وابستگی آنها به خارج و نابسامانی در نظام سیاسی و اقتصادی آن است. در این کشورها (از جمله ایران)، گرایش عمومی به تمرکز قدرت و تصمیم‌گیری است و تضعیف مشارکت مردمی را سبب

می‌گردد. در این راستا، روندی برخلاف جهت کشورهای سرمایه‌داری، در کشورهای جهان سوم (از جمله ایران) طی شده است. بدین صورت که در دنیای سرمایه‌داری، شهر در پی نیاز صنعت به تجمع افراد، چه برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز و چه برای تأمین بازار مصرف تولیدات، شکل گرفته بود، اما شهرهای کشورهای توسعه‌نیافته در شرایطی تحول و گسترش یافتند که رشد واقعی صنعتی آن‌ها رخ نداده بود. جمشید بهنام در این رابطه می‌نویسد:

«مهاجرت روستائیان به شهرها در قرن نوزدهم را نمی‌توان با این نوع مهاجرت‌ها در زمان ما مقایسه کرد. صنعت قرن نوزدهم به موازات این مهاجرت پیش می‌رفت و روستائیان اندک اندک در آن صنایع شغلی یافتند و گذشته از آن احتیاج به کارگر در صنایع بیشتر و درجه مهاجرت کمتری مورد لزوم بود، ولی امروزه در همه ممالک در حال توسعه، هجوم روستائیان سریع‌تر از تاسیس صنایع جدید انجام می‌گیرد و کار در این صنایع نیز به مهارت زیاد نیاز دارد.» (بهنام؛ ۱۳۴: ۱۳۴۱)

در طی این تحول، شهرهای مزبور به دلیل پیروی از الگوی شهرنشینی، اغلب، محلی برای تجمع، توزیع و فروش محصولات وارداتی صنعتی و مصرفی غربی شدند یا به صورت محلی برای صدور مواد خام و یا نقطه‌ای برای ایجاد پایگاه ارتباطی با دنیای سرمایه‌داری و تمرکز سرمایه‌های خارجی (با مقام شهر اول کشور) در آمدند. این امر در یک شهر و گاه چند شهر بزرگ کشورهای توسعه‌نیافته، اتفاق افتاد. به دنبال آن تمرکز، امکانات مزبور جاذب جمعیت روستاها و شهرهای کوچک‌تر گردید و بنابراین در پی افزایش جمعیت این شهرها، نیاز به تمرکز امکانات و تسهیلات بیش‌تری احساس شد. در نتیجه، روز به روز فاصله شهرهای بزرگ، از مراکز تجمع کوچک‌تر افزایش یافت، زیرا شهرهای کوچک از یک سو روند شهرنشینی را دنبال می‌کردند و از دیگر سو، گاه دچار نابسامانی‌هایی به دنبال از هم گسیختگی شبکه شهری و بروز عوارض تمرکزگرایی می‌شدند. نقاط محروم روستایی نیز از این شکاف و جذب جمعیتشان توسط شهر بزرگ و هم‌چنین سرمایه و امکانات و در نهایت پیدایش تمرکزگرایی متضرر، می‌شدند. نظریه محوری که در این فصل مد نظر پژوهشگر قرار دارد، نظریه آلکسی دو توکویل، پژوهشگر فرانسوی است. وی در بررسی وضعیتی که در زمان انقلاب بزرگ فرانسه وجود داشت، نظر مارکی دو میرابو را ذکر می‌کند. (توکویل: ۱۴۶)

۱۳۶۹: مارکی دومیرابو در سال ۱۷۵۰ بدون ذکر صریح نام پاریس از آن چنین یاد کرد: «پایتخت‌ها گریزناپذیرند. اما هرگاه که سر بیش از حد بزرگ گردد، تعادل بدن از بین می‌رود و نتایج مرگباری به بار می‌آورد. حال که ولایات تا حد وابستگی به پایتخت تنزل یافته‌اند و با ساکنان‌شان مانند یک نوع پست‌تر رفتار می‌شود و بلندپروازی‌های آنها را راه‌گریزی نیست، جز این چه می‌توان انتظار داشت که هر کسی در ولایات که سرش به تنش می‌ارزد، به مادرشهر پاریس مهاجرت کند؟» میرابو سپس این تهی شدن ولایات را به عنوان یک نوع «انقلاب بدون خونریزی» توصیف کرد. در زمان شورش فروند، پاریس چیزی بیشتر از بزرگ‌ترین شهر فرانسه نبود. اما در سال ۱۷۸۹ اوضاع بسیار متفاوت گشته بود. تا آنجا که مبالغه نیست اگر گفته شود که پاریس به تنهایی همه فرانسه بود! مونتسکیو در سال ۱۷۴۰ در نامه‌ای به یکی از دوستان چنین نوشت: «در فرانسه فقط پاریس وجود دارد و تعدادی ولایت دور از مرکز که هنوز پاریس وقت بلعیدن آنها را نیافته است!»

مفهوم «تمرکز اداری» به معنی تجمع وزارتخانه‌ها و مؤسسات و سازمان‌های مختلف در یک شهر و به دست‌گیری قدرت تصمیم‌گیری و اعمال خط‌مشی‌های اجرایی خود در سطح ملی است. پیش‌زمینه ایجاد این تمرکز اداری، استقرار جمعیت زیاد در شهر مزبور می‌باشد.

دوتوکویل در زمینه تمرکز اداری می‌گوید: «در زمینه تصمیماتی که نتایج حاصل از این تصمیمات، عاید مردم یک منطقه از مناطق کشور می‌گردد، اگر حق تصمیم‌گیری را در دست حکومت مرکزی بگذاریم، تمرکز شدید اداری به وجود می‌آید.» (Tocquville; 1945: 87)

توکویل در مورد مفهوم تمرکز سیاسی، معتقد است:

«تمرکز سیاسی وقتی تحقق پیدا می‌کند که نیروی تشخیص‌دهنده و تصمیم‌گیرنده در زمینه منافی که مشترک میان تمام اجزای یک ملت و واحدهای گوناگون یک کشور است، یعنی منافع عمومی جامعه نه تنها در یک محل، بلکه در دست یک عده از افراد اجتماع نیز متمرکز باشد.» (Tocquville; 1945: 83)

توکویل در این زمینه می‌افزاید که در میان دلایلی که منجر به سقوط دولت‌های مختلف فرانسه شدند، تمرکز اداری و چیرگی مطلق پاریس بر سراسر فرانسه مهم‌ترین دلیل است (توکویل؛ ۱۴۶؛ ۱۳۶۹) در تمرکزگرایی اداری-سیاسی، یک شهر که معمولاً آن مرکز سیاسی

کشور می‌باشد، در اثر تجمع مؤسسات و مراکز مختلف اقتصادی، شهر مزبور دارای قدرت اقتصادی فراوانی می‌شود. به تبع آن، این شهر اهرم‌های اجرایی، سیاسی کشور را نیز تحت کنترل در می‌آورد، ولی در تمرکزگرایی سیاسی و اداری، علاوه بر اهمیت یافتن نقش اداری یک شهر، در نتیجه استقرار وزارتخانه‌ها و مراکز امنیتی- نظامی، آن شهر از قدرت سیاسی نیز برخوردار می‌شود، بنابراین در مجموع می‌توان گفت در تمرکزگرایی اداری- سیاسی، قدرت سیاسی حالت تبعی داشته و حاصل افزایش نقش اداری و اقتصادی مختلف و سازمان‌های و مراکز امنیتی- نظامی، هر کدام سهم خویش را در تمرکزگرایی دارند.

### شکل‌گیری جنبش‌های کارگری و تقویت آنها پس از اصلاحات ارضی

بی‌تردید، یکی از اصلی‌ترین گروه‌های مبارز در جریان انقلاب اسلامی، کارگران و جنبش کارگری بوده است. ایده پژوهش حاضر این است که شکل‌گیری جنبش کارگری حاصل هم‌زمانی دو عامل مهم بوده است که هر دو تحت تأثیر اقدامات مستقیم محمدرضا شاه شکل گرفتند. نخست، مهاجرت نامعمول روستاییان به شهرها و در نتیجه، تشکیل گروه عظیمی از کارگران و لومین‌پرولتاریا که ناشی از اصلاحات ارضی بود؛ و دوم، گسترش آموزش عمومی که با خفقان سیاسی عصر پهلوی دوم همخوانی نداشت. در اینجا، خواهیم کوشید تا حدودی که به نتایج اصلاحات ارضی مربوط می‌شود، درباره شکل‌گیری جنبش کارگری در ایران عصر پهلوی دوم سخن بگوییم. در این راستا، نخست به جنبه نظری تأثیر این مهاجرت‌ها بر گسترش جنبش انقلابی خواهیم پرداخت و آنگاه مطالعه موردی تهران را پی خواهیم گرفت. در اینجا باید افزود که مطالعه سایر شهرهای بزرگ نیز برای تکمیل این پروژه ضرورت دارد، اما متن حاضر به جهت حفظ اختصار، تنها به مطالعه مورد تهران اکتفا خواهد کرد.

ساموئل هانتینگتون اشاره می‌کند: به ظاهر سرچشمه عمده شورش‌های شهری را باید در آلونک‌نشین‌ها و حلبی‌آبادهایی باز جست که در نتیجه هجوم فقرای روستایی به شهرها پدید می‌آیند (هانتینگتون؛ ۴۰۵: ۱۳۷۰) آشکار است که این اوضاع اجتماعی باید نه تنها برای مخالفت با حکومت، بلکه برای انقلاب نیز زمینه مناسبی فراهم کرده باشند. لیدی جکسون هشدار داده است که شهر می‌تواند به اندازه یک بمب، مرگبار باشد (هانتینگتون؛ ۴۰۶: ۱۳۷۰)

آلونک‌نشین‌های اطراف شهرهای عمده اساسی‌ترین نقش را در مورد شورش‌هایی بر عهده دارند که در شهر عمده رخ می‌دهد. البته سامونل‌هانتینگتون در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده است که نخستین نسل آلونک‌نشین‌ها، برای حکومت مرکزی خطرناک نیستند. (هانتینگتون؛ ۴۱۰: ۱۳۷۰) چرا که رویکردهای سنتی و روستایی احترام اجتماعی و انفعال سیاسی را به آلونک‌ها وارد می‌کنند. هانتینگتون بر آن است که فرزندان آنان هستند که خواستار تحرک عمودی می‌شوند و تندروی در آلونک‌ها به گونه چشمگیری افزایش می‌یابد. پس بنا به عقیده هانتینگتون تمرکزگرایی در شهرهای بزرگ، در بلندمدت خطر آفرین خواهد بود. نسل دوم لومپن پرولتاریا از جهت کمک به فرآیند انقلاب بسیار مستعد است. مثال‌های خود هانتینگتون به سیاه‌پوستان در امریکا اختصاص یافته است، (هانتینگتون؛ ۴۱۳-۴۱۲: ۱۳۷۰) اما در پژوهش حاضر، خواهیم کوشید نمونه‌هایی از کاربست این تئوری را در دو جامعه اروپایی بررسی نماییم.

برای نمونه، در روسیه، جنگ به نحو قابل ملاحظه‌ای به تعداد کارگران پایتخت افزوده بود. طبق آمار کوکن، شمار آنها از نزدیک به سه سال پیش دو برابر شده و از ۲۱۰ هزار نفر در بهار ۱۹۱۴ به حدود ۴۰۰ هزار نفر در اکتبر ۱۹۱۶ رسیده بود. (کوکن؛ ۳۵: ۱۳۷۴) اکثریت متشکل از کارگران جذب شده از مناطق دیگر بودند: با منشأ دهقانی؛ جذب شده در صنایع رو به رشد که نیازهای دفاع ملی به این صنایع، نیاز به نیروی کار را افزایش می‌داد، بدون تخصص حرفه‌ای زیاد، غالباً دور از خانواده‌ها که در روستا بر جای مانده بودند، انباشته شده در خوابگاه‌های شهرداری‌ها یا اربابی. این کارگران که از هیچ‌گونه پشتیبانی در رژیم سیاسی کشور خود برخوردار نبودند، به معنای واقعی پرولتر محسوب می‌شدند. (کوکن؛ ۳۶: ۱۳۷۴)

در آلمان؛ آدولف هیتلر رهبر آلمان نازی، در خاطرات خود - به عنوان یک لومپن پرولتر - شرایط این قشر را در آلمان پیش از انقلاب ۱۹۱۸ برای ما توصیف می‌کند. در این خاطرات، هیتلر به مثابه ناظری تیزبین، تأثیر روانی لومپن پرولتر بودن را نیز بررسی می‌کند. تفاوت مابین زندگی شهری و روستایی در آلمان پیش از انقلاب، هم چشمگیر است و هم مؤثر؛ این تفاوت تا حدود زیادی بر اقتصاد آلمان سال‌های بعد از انقلاب نیز مؤثر افتاد. اقتصاد آلمان در مناطق روستایی منجر به مهاجرت دسته‌جمعی شد و یک اقتصاد کشاورزی به یک اقتصاد صنعتی



تبدیل شد. هیتلر می نویسد:

«کشاورزان جوان به امید این که در شهر کارهای آسان تر و پر درآمدتری برای خود پیدا کنند، به شهر هجوم می آوردند. این تهاجم دسته جمعی بیشتر علتش جاذبه زرق و برق تمدن جدید بود که کارگران را به سوی خود می کشاند ... بسیاری از کارگران را دیده بودم که در دوران کشاورزی چون درآمد مرتبی داشتند، با ملت و دولت دوست بودند و اگر هم از آنان نامهربانی می دیدند، بازهم از آرامش و صلح لذت می بردند. اما وقتی به شهر می آمدند، در اثر بیکاری های مکرر و تحمل فقر و بینوایی، عاطفه و احساس انسانی را از دست داده، خوی یغماگری در آنها زنده می شد و برای امرار معاش آمادگی ارتکاب به هر عملی را پیدا می کردند.» (هیتلر؛ ۲۰-۱۸: ۱۳۷۳)

### جمع بندی و نتیجه گیری

ادریس جزایری (مدیر ایفاد در نیمه اول دهه ۱۹۹۰) مدل های توسعه را به دو دسته پارادیم قدیم و جدید تقسیم می کند. او الگوها و مدل هایی نظیر «جایگزینی واردات»، «صنعتی شدن سریع»، «انقلاب سبز»، «رشد مبتنی بر توسعه صادرات» و «رشد مبتنی بر هدایت دولت» را در زمره پارادیم قدیم (یا مسلط) و «توسعه انسان محور» یا «توسعه مردمی» یعنی رشد با کیفیت بالا و رشد کاهش دهنده فقر را که به جای «نشت به بالا» مبتنی بر «نشت به پائین» است، به عنوان پارادیم جدید توصیف می کند.

دایاناهانت نیز با توجه به مفهوم کوهنی پارادیم، الگوهای توسعه را به ۷ گروه تقسیم می کند که از این قرارند: (هانت، ۱۳۷۶؛ ۳۴۰-۱۰۱).

۱- الگوی هسته در حال گسترش سرمایه داری؛

۲- الگوی ساختارگرا؛

۳- الگوی نئومارکسیسم؛

۴- تحلیل های وابستگی؛

۵- الگوی مائوئیسم؛

۶- الگوی نیازهای اساسی؛ و

## ۷- الگوی نئو کلاسیک.

از میان الگوهای مطرح شده، دو الگوی هسته در حال گسترش سرمایه داری و ساختار گرا در ایران مورد توجه قرار گرفته است. بنابر تعریف در الگوی هسته در حال گسترش سرمایه داری، افزایش پس اندازها و انباشت سرمایه نقش اصلی را در فرآیند توسعه به عهده دارند. هانت در این الگو کلیه نظریه‌هایی را جای می‌دهد که به موضوع افزایش انباشت سرمایه در کشورهای توسعه نیافته اختصاص دارند. وجه مشخص کننده این نظریه‌ها به کارگیری مفاهیمی است نظیر «جهش بزرگ»، «رشد متوازن»، «دام تعادل در سطح پائین» و «علیت انباشتی». او این دیدگاه‌ها را منطبق بر آن چیزی می‌داند که نظریه نوسازی خوانده می‌شود. هانت اثر بر جسته لوئیس با عنوان توسعه اقتصادی در شرایط عرضه نامحدود نیروی کار و مطالعه روستو درباره «جهش به سوی رشد پایدار» را دو بیان کلی و مکمل از نظریه هسته در حال گسترش سرمایه داری می‌داند. به عقیده او تبلور این الگو را در کشورهایی می‌توان یافت که دچار کمبودهای ارزی نبوده‌اند. بر این اساس کشورهای صادر کننده نفت و از جمله ایران را می‌توان جایگاه کاربست این الگو به شمار آورد.

در الگوی ساختار گرا، بیش تر علل توسعه نیافتگی مورد توجه است و دلالت‌های الگو معطوف به فائق آمدن بر علل است. از جمله محدود کننده ترین عوامل توسعه از دید اکثر صاحب نظران این الگو، انگیزه ناکافی برای سرمایه گذاری و کمبود ارز است. به دلیل این رویکرد ویژه است که الگوی ساختار گرایی اساس مجموعه‌ی از توصیه‌های سیاستی در زمینه‌هایی نظیر دستمزد، سیاست‌های مالی (مالیات بندی و مالیه عمومی)، اولویت بخشی به صنعت، سیاست‌های تشویقی برای جلب و جذب سرمایه گذاری‌های خارجی و ایجاد بازارهای مشترک منطقه‌ی و یا مناطق آزاد و تجاری را در بر می‌گیرد.

به عقیده هانت این الگو بر استراتژی «جایگزینی واردات» متکی است و در شرایط کاربست آن بر روی اجرای اصلاحات ارضی نیز تاکید گذاشته می‌شود. (زاهدی؛ ۱۳۸۵: ۱۲۴)

در ایران نیز در دهه ۱۳۴۰ در برنامه‌های عمرانی بر روی اجرای اصلاحات ارضی و گسترش صنایع مونتاژ (نوع خاصی از جایگزینی واردات) تاکید گذاشته می‌شد اما به نظر می‌رسد با بالا رفتن درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت در اوایل دهه ۵۰ الگوی هسته در حال

گسترش سرمایه داری جایگزین الگوی ساختارگرا می گردد و همین امر موجب می شود که با کاهش شدید و یک باره درآمدهای نفتی در سالهای پیش از انقلاب ۵۷ موجی از بیکاری و شغل های کاذب جامعه را فرا گرفته، بر جمعیت حاشیه نشینان و حلی آبادها افزوده شود.

افزایش مهاجرت های روستایی و گسترش شهرنشینی، بازتاب فضای تحول در سازمان یابی تولید و به طور مشخص بازتاب بسط سرمایه داری پیرامونی در ایران است. بدین صورت که گسترش امکانات اشتغال و زندگی در برخی از مراکز شهری، بر اثر توسعه مناسبات سرمایه داری از یک سو و کاهش این امکانات در نقاط دیگر (به طور عمده در روستاها) بر اثر فروپاشی مناسبات پیش سرمایه داری از سوی دیگر، زمینه مهاجرت های روستایی و گسترش شهرنشینی را در کشور فراهم نمود.

مهاجرت های روستایی در ایران، از نظر جهت جریان و شکل مهاجرتی، بیش تر از نوع مهاجرت مستقیم بوده است و عمده ترین دلیل این مهاجرت ها، به دست آوردن کار (عامل اقتصادی) محسوب می شد که اغلب آن ها را مهاجران بین گروه سنی ۲۹-۱۵ ساله را تشکیل می دادند. مهم ترین عوامل مؤثر در افزایش روند مهاجرت روستاییان به شهرها را برنامه های عمرانی، اصلاحات ارضی، شرکت های سهامی زراعی و شرکت های کشت و صنعت تشکیل می دادند.

به طور کلی تأثیرات مهاجرت های روستایی به دو بخش اقتصادی و سیاسی تقسیم می شود. تأثیرات اقتصادی مهاجرت های روستایی در روستاها بسیار است، اما از آن جمله می توان به سوءمدیریت اقتصادی اشاره کرد: نهادهای تازه، نتوانستند به سرعتی که مورد انتظار بود، با نهادهای کهن جایگزین گردند. در اثر از بین رفتن نهادهای ماقبل سرمایه داری و جانشین گردیدن روابط جدید در نتیجه اجرای اصلاحات ارضی، کارگران روستایی و دهقانان تهیدست، بیش ترین فشارهای اقتصادی را متحمل شدند. کارگران روستایی علاوه بر این که مجبور بودند بعضی اوقات تا ده شغل متفاوت نظیر تخلیه بار، جارو کشی، حمالی و غیره را اجرا کنند، به خاطر افزایش روند شکاف بین دستمزدها و هزینه ها در زندگی خانوار، کارگر روستایی همیشه زیر بار قرض بود. قشر دهقانان تهیدست نیز به دلیل نداشتن زمین های زراعی کافی برای تأمین حداقل نیازهای خانوار و هم چنین پایین بودن سطح دستمزدها که به آن ها

اجازه نمی‌داد، به طور کامل به کارگران مزد بگیر تبدیل شوند، اکثر اوقات ناچار به وام گرفتن از سوداگران روستا می‌شدند؛ لذا با انباشته شدن دیوار و افزایش بهره وام‌ها، آن‌ها تبدیل به روستاییان کاملاً مفلس می‌شدند. در نتیجه تنها راه‌هایی از فقر و تنگدستی برای اقشار کارگر روستایی و دهقانان تهیدست، مهاجرت بود. نیروی انسانی، یکی از عوامل تولید، به خصوص تولید محصولات زراعی در روستاها بوده است. با توجه به این که در سال ۱۳۵۵ در حدود ۹۲/۲ درصد از کل شاغلان بخش کشاورزی در روستاها اشتغال داشتند، با محاسبه روز کار برای هر یک از محصولات عمده کشاورزی و با در نظر گرفتن تعداد روزهای تعطیل و مقایسه آن با تعداد روز کار در سال در بخش صنعت، مشخص شد که تقریباً تعداد از نیروی انسانی شاغل در زیر بخش زراعت، نیروی مازاد بودند. این عده اکثریت قاطع مهاجرانی بودند که در مناسب‌ترین سن نیروی کار در اثر بیکاری، اقدام به مهاجرت به شهرها کردند.

مهاجرت‌های روستایی نه تنها به لحاظ تعداد و میزان جمعیت، تغییراتی در طبقه بندی جمعیتی روستاها ایجاد کرد، تعداد روستاهای خیلی بزرگ نیز در اثر این مهاجرت‌ها کم‌تر شد که پیامد آن، کاهش احتمال انتخاب روستاهای مذکور به عنوان مرکز حوزه عمرانی بود. هم چنین حد نصاب جمعیتی در روستاهای متوسط کاهش یافت که این امر محرومیت از خدمات عمومی در روستاهای مزبور را به همراه داشت.

با افزایش میزان مهاجرت‌های روستایی، بر تعداد مشاغل کاذب و بخش غیر رسمی در شهرها نیز افزوده می‌شد. گسترش مشاغل کاذب، نتیجه رشد محدود فعالیت‌های مشاغل سازمان یافته بوده، به طوری که یک رابطه منفی ولی خطی میان حجم افزایش مشاغل سازمان یافته و مولد با توسعه مشاغل کاذب وجود داشت. هم چنین احتمال گسترش مشاغل کاذب شهری رابطه‌ای مستقیم با افزایش قدرت اشتغال‌زایی بخش خدمات و رابطه‌ای معکوس با افزایش قدرت اشتغال‌زایی نسبی بخش کشاورزی داشت.

آن عده از مهاجران روستایی که به هر صورت ممکن، توانایی تهیه مسکن (اجاره یا خرید) را داشتند، به صورت‌های گوناگون در گسترش بازار اراضی شهری مؤثر بودند. با افزایش سرمایه‌گذاری در اراضی شهری به خصوص از طرف بخش خصوصی و با ایجاد رقابت در تصرف اراضی شهری از طرف سرمایه‌داران و واسطه‌گران، باعث افزایش رانت این زمین‌ها

می شدند و افزایش تقاضای مسکن، همگی باعث افزایش قیمت اراضی شهری می شد. این امر خود نیز پیامدهای غیرمستقیمی داشت، مثلاً در اثر افزایش فعالیت های بورس بازی که فعالیت های غیر تولیدی بودند، میزان تورم افزایش می یافت، استفاده از اراضی شهری متراکم تر می گردید که این نیز باعث دگرگونی در بافت فیزیکی شهرهای بزرگ، مخصوصاً تهران می شد، اجاره و سرقفلی مستغلات شهری افزایش می یافت، به خاطر افزایش قیمت اراضی داخل شهرها، خانواده های کم درآمد در اطراف شهرها ساکن می شدند که این، باعث افزایش هزینه های خانوار می گردید.

علیرغم سیر صعودی درصد سرمایه گذاری در بخش ساختمان در طی سال های ۱۳۵۱-۱۳۵۶، کمبود مسکن یکی از مهم ترین مشکلات مردم بود، زیرا افزایش تولید مسکن با رشد جمعیت و تعداد خانوار، به ویژه در جوامع شهری و گروه های کم درآمد متناسب نبود. در گروه های کم درآمد، رابطه معکوسی از نظر تعداد خانوار و تراکم خانوار در واحد مسکونی با وسعت و زیربنا و تعداد ساختمان های احداث شده، وجود داشت. مسأله دیگری که به لحاظ هزینه ای در اقتصاد مسکن مطرح است، میزان کرایه خانه و تغییرات آن در طی سال های ۱۳۳۹-۱۳۵۳ می باشد. از سال ۱۳۳۹ تا اوایل دهه ۱۳۵۰، رشد کرایه خانه ها به کندی انجام می گرفت، ولی از سال ۱۳۵۱، یکی از تأثیرات افزایش مهاجرت های روستایی در شهرها، به صورت رشد زیاد در میزان کرایه خانه ها نمایانگر شد.

اگر خانوارهایی با گروه های هزینه ای کم تر از ۲۵۰۰ ریال تا ۴۴۹۹ ریال را در نظر بگیریم، مشخص می شود که کمی بیش از نصف این خانوارها دارای یک اطاق بودند. به طور کامل در سال ۱۳۵۵، بر اساس معیار حذف تراکم خانوار (۸۸۶۶۰۷ واحد مسکونی) و معیار حذف ساختمان های نامناسب (حداقل ۲۷۲۸۷ واحد مسکونی) کمبود مسکن در مناطق شهری وجود داشت.

حاشیه نشینی یکی از بارزترین پدیده های حاصل از مهاجرت روستاییان به شهرها بود. سابقه پیدایش حاشیه نشینی در ایران، احتمالاً به سال ۱۳۱۱ بر می گردد، اما بی گمان پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و مخصوصاً از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، مناطق حاشیه نشین در تهران به سرعت گسترش پیدا کردند. به طوری که ۱۳/۶ درصد واحدهای حاشیه نشین در تهران قبل از سال

۱۳۳۱ و ۲۲ درصد در فاصله سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۳۹ و مقارن با رونق فعالیت‌های اقتصادی در این شهر به وجود آمدند. ۱۵/۹ درصد این مناطق هم در طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۰ تشکیل شدند. در حدود ۷۹/۷ درصد از خانوارهای حاشیه‌نشین تهران، درآمد ماهانه‌ای کم‌تر از ۶۰۰۰ ریال در سال ۱۳۵۱ داشتند. هم‌چنین ۷۳/۳ درصد از خانوارهای حاشیه‌نشین بندرعباس یا اصلاً درآمدی نداشتند، یا درآمد آنان نامشخص بوده، یا کم‌تر از ۳۰۰۰ ریال، درآمد ماهانه داشتند.

از تأثیرات اقتصادی دیگر مهاجرت‌های روستایی، آثار این مهاجرت‌ها بر وضعیت اشتغال صنعتی بود. با وجود کاهش اندک نرخ بیکاری در طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵ و افزایش ۷۵/۸ درصدی تعداد شاغلان صنعتی کشور، ۳/۸ درصد از تعداد شاغلان صنعتی مناطق شهری کاسته شد. از طرف دیگر این کاهش تعداد شاغلان صنعتی، با افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌ها در مناطق شهری هم‌زمان بود؛ بنابراین با وجود افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌ها در فعالیت‌های صنعتی مناطق شهری، از میزان اشتغال صنعتی در آن مناطق کاسته شد.

البته این تغییرات، به‌طور عمده با ۱۵/۸ درصد کاهش در تعداد شاغلان کارگاه‌های کوچک صنعتی شهری صورت گرفت. کارگاه‌های بزرگ صنعتی نیز از لحاظ تعداد شاغلان، با این وجود که به لحاظ تعداد مطلق دو برابر شد، ولی نسبت به تعداد کل نیروی کار صنعتی کشور، سهم کمتری را به خود اختصاص داد. در نتیجه مشخص می‌شود که مهاجرت‌های روستایی علاوه بر این که به لحاظ میزان اشتغال در بعد کارگاه و نوع فعالیت آن‌ها تأثیر داشت، شمار چشم‌گیری از این مهاجران را نیز جذب بخش خدمات و مشاغل کاذب و غیر رسمی نمود.

ساخت سنی کارکنان صنعتی شهری و کارکنان صنعتی روستایی نشان می‌دهد که نیروی کار صنعتی روستایی نسبت به کارکنان صنعتی شهری در سال ۱۳۵۵، بسیار جوان‌تر بوده، به طوری که ۷۰ درصد کارکنان صنعتی در مناطق روستایی کم‌تر از ۳۰ سال سن داشتند. ساخت صنعتی کارکنان صنعتی در مناطق شهری و روستایی در طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵ تغییراتی داشت. بدین صورت که درصد زنان شاغل در بخش صنعت در کل کشور، از ۴۱/۳ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۳۸/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ تنزل یافت، که هم‌سو با آن درصد زنان شاغل صنعتی در مناطق روستایی و شهری کاهش داشتند. از لحاظ تحصیلات کارکنان صنعتی با

وجود کاهش درصد بی سوادان در طی دهه مزبور، باز هم درصد بیش تری را شامل می شد و در درجه دوم درصد باسوادان بین ۱ تا ۶ در سال ۱۳۵۵ در مناطق شهری، بیش ترین تعداد نیروی کار صنعتی را تشکیل می دادند؛ بنابراین مهاجرت های روستایی بر ساخت سنی و جنسی و سطح تحصیلات کارکنان صنعتی مؤثر بودند.

مهاجرت های روستایی از یک طرف ساخت صنعتی اشتغال را در مناطق شهری و روستایی تحت تأثیر قرار داد و از طرف دیگر دستمزدهای کارکنان صنایع در اثر رونق بازار نیروی کار بر حسب صنایع متفاوت، تغییراتی پیدا کرد. صناعی که نیاز به مهارت های کم تر داشت، مهاجران روستایی زیادی را نیز به خود جذب کرده بود که این صنایع شامل نساجی، پوشاک و چرم و پوست بود. علی رغم این که صنایع مذکور، بیش ترین درصد شاغلان را در مناطق شهری و روستایی در بر می گرفت، نسبت تعداد این شاغلان در مناطق روستایی، بیش تر از مناطق شهری بود، بیش ترین افزایش دستمزدها در صنایع مشروبات غیر الکلی و کم ترین افزایش در صنایع دخانیات صورت گرفت. از جمله فعالیت های بخش صنعت، زیربخش ساختمان است که جاذب شمار قابل توجهی از مهاجرین بی سواد و کم مهارت روستایی در شهرها بود. بر اساس شاخص مزدهای واقعی کارکنان ساختمانی ساده (غیر ماهر)، سیر صعودی مزدهای این کارکنان از سال ۱۳۴۴ به بعد آغاز شد که در سال ۱۳۵۶ نسبت به سال ۱۳۴۰، تقریباً سه برابر شده بود.

از اثرات اقتصادی دیگر مهاجرت های روستایی، تأثیر بر بهره برداری کار نیروی کار صنعتی بود. با وجود این که متوسط ساعات کار در هفته، در مناطق شهری در سال ۱۳۵۵ نسبت به سال ۱۳۴۵، اندکی کاهش داشت و بر عکس در مناطق روستایی در سال ۱۳۵۵ نسبت به سال ۱۳۴۵ اندکی افزایش داشت، در مجموع، متوسط نیروی کار صنعتی در سال ۱۳۵۵، در مناطق شهری بیش تر از مناطق روستایی بود.

اختلاف بین مزد سرانه کارگاه های کوچک صنعتی شهری و کارگاه های بزرگ صنعتی وجود داشت، اما اختلاف بین میزان ارزش افزوده در بین کارگاه های یاد شده بسیار زیادتر بود. بیش ترین مقدار ارزش افزوده در کارگاه های بزرگ صنعتی در سال ۱۳۵۵، مربوط به صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی و کم ترین مقدار، مربوط به صنایع متفرقه بود.

تأثیرات مهاجرت‌های روستایی به لحاظ اقتصادی-سیاسی شامل رابطه مهاجرت‌های روستایی با تغییرات سلسله مراتب شهری در ایران، آثار این مهاجرت‌ها بر ساختار اقتصادی کشور و تبعات آن بر اقتصاد شهری بود.

رابطه مهاجرت‌های روستایی با تغییرات سلسله مراتب شهری بدین صورت بود که جمعیت شهری در بین سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۴۵ بیش‌تر در شهرهای کوچک و متوسط و در بین سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵، بیش‌تر در شهرهای متوسط و بزرگ سکونت داشتند. در اثر مهاجرت‌های روستایی و افزایش جمعیت شهرها، علاوه بر تغییرات سلسله مراتب شهری، شبکه شهری نیز دچار دگرگونی شد. تغییر در وضعیت نظام شهری ایران با بررسی رابطه ردیف-اندازه و نسبت تمرکز شهری نیز ثابت گردید. به طوری که رابطه ردیف-اندازه در طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵ به جای حد تعادل ۰/۵، مقدار ۰/۱۴ بود که افزایش فاصله نخستین شهر نسبت به شهرهای بزرگ‌تر کشور را نشان می‌دهد. هم‌چنین نسبت به تمرکز شهری از ۰/۶۳۶۳ در سال ۱۳۳۵ به ۰/۷۵۶۴ در سال ۱۳۵۵ افزایش یافته بود که بیانگر افزایش جمعیت در شهرهاست.

در اثر مهاجرت‌های روستایی و با انتقال نیروی فعال از بخش کشاورزی اقتصاد کشور، نه تنها میزان تولید ناخالص این بخش نسبت به سایر بخش‌ها کاهش یافت، بلکه از لحاظ میزان کاردهی سرانه نیز کم‌تر از سایر بخش‌ها بود.

افزایش جمعیت شهری از طریق مهاجرت‌های روستایی، اقتصاد شهری را نیز دچار تحولاتی کرد. بدین صورت که نسبت به مصرف سرانه در مناطق شهری، به طور عمده از سال ۱۳۴۲ به بعد، افزایش یافت. این امر منجر به افزایش سهم مناطق شهری در هزینه‌های خصوصی شد. هم‌چنین افزایش جمعیت شهری با ازدیاد طبقه کم درآمد، باعث افزایش تضاد طبقاتی شد که این مورد، تأثیر خود را در گروه بندی هزینه سرانه خانوارهای شهری نشان داد. این‌گونه امور، به افزایش طبقه محروم و شکاف درآمدی بیش‌تر در شهرها انجامید.

از جمله تأثیرات دیگر مهاجرت‌های روستایی، آثار سیاسی بود که شامل گسترش تمرکزگرایی اداری-سیاسی در شهرهای بزرگ و مشارکت مهاجرت روستایی در مبارزات سیاسی و پیروزی انقلاب اسلامی می‌شد. در سال ۱۳۴۲ شاه با اعلام برنامه‌های انقلاب سفید خود، امیدهایی را برای ایجاد اصلاحات برانگیخت و طرح‌های او در عمل نشان داد که کشور



در یک مسیر صحیح رو به جلو حرکت می‌کند، بسیاری از روشنفکران نیز از جمله هوشنگ نهاوندی، حسین نصر، احسان نراقی، عبدالرحمان فرامرزی، علی دشتی و دیگران با شوق شرکت در برنامه‌های مدرن سازی یک پادشاه پیشرو، به طرف وی جذب شدند؛ اما بهبود شرایط اقتصادی در ایران طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۲، در ضمن، حرکت به سوی دموکراسی و آزادی‌های بنیادین را نیز ایجاب می‌کرد. ولی شاه - احسان نراقی می‌گوید به دلیل دیکتاتوری ذاتی و ناتوانی اش از پذیرش سخنان مخالفین (نراقی؛ ۱۳۸۵) - هم از این فرصت بی‌نظیر هیچ استفاده‌ای نکرد و هم با ارتکاب اشتباهات پی در پی، اوضاع سیاسی کشور را هر چه بیشتر به وخامت کشاند.

در عصر پهلوی دوم رشد آگاهی سیاسی مردم - این رشد را آمار میزان باسوادی به ما نشان می‌دهد - با ایجاد فرصت برای مشارکت سیاسی همراه نشد؛ دلیل ایجاد نشدن موقعیت برای اشتراک سیاسی را باید در تمایل محمدرضا پهلوی به تمرکز قدرت باز جست. محمدرضا پهلوی بارها اعلام کرد که از نظر او تنها رژیم کارآمد در ایران رژیم پادشاهی است؛ و مشخص است که فردی با این عقیده هرگز نمی‌تواند ملتی را که خواهان اشتراک سیاسی هستند، خشنود نماید. افزایش اشتراک سیاسی مردم از دیدگاه محمدرضا پهلوی با عضویت افراد در حزب رستاخیز عملی می‌شد. حزبی که نمونه‌ای تمام عیار از تمرکزگرایی در سیاست به شمار می‌رفت.

تمرکزگرایی در بیش تر کشورهای جهان سوم و از جمله ایران، خصوصیتی عام و ناشی از وابستگی آنها به خارج و نابسامانی در نظام سیاسی و اقتصادی آن کشورها می‌باشد. میزان تمرکزگرایی در منطقه شهری تهران در بخش صنعت، نسبت به کل کشور خیلی زیاد و نسبت به مناطق شهری در حد زیادی بود. علاوه بر این، تهران به شهری تبدیل شده بود که بیش‌ترین میزان سرمایه‌گذاری‌های ملی و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و بیش‌ترین درصد از شاغلان بخش دولتی و غیره را به خود اختصاص می‌داد. همه این موارد، باعث تمرکزگرایی اداری - سیاسی در شهر تهران نسبت به سایر شهرهای بزرگ کشور شده بود که عمده‌ترین ویژگی‌های آن عبارت بود از:

۱- سبب افزایش ناراضیاتی سیاسی مردم از رژیم در نتیجه بروز شکاف اقتصادی - اجتماعی

بین مناطق و استان‌های کشور می‌شد.

۲- ایجاد نوعی پدر سالاری در اداره مجموعه امور دولتی.

۳- عینی شدن اختلاف طبقاتی و اقتصادی در شهر تهران که باعث بروز زمینه ناآرامی‌های

سیاسی شد.

در بررسی وضعیت مشارکت مهاجرین روستایی در مبارزات سیاسی و پیروزی انقلاب اسلامی، ابتدا نظریات و تحقیقات انجام شده در این رابطه به دو دسته کلی تقسیم شد. دسته اول نظریه‌ها و تحقیقاتی که اعتقاد به انقلابی و سیاسی نبودن مهاجران روستایی داشتند، یا نقش چندانی برای این مهاجران قائل نبودند و دسته دوم، نظریه‌ها و تحقیقاتی که لااقل به نقش مؤثر مهاجران روستایی در پیروزی انقلاب اسلامی معتقدند. نظریه‌های فرهاد کاظمی از دسته دوم نظریه‌ها و تحقیقات مذکور برای تبیین موضوع انتخاب شد. هم چنین مهاجران روستایی به لحاظ قشر و طبقه تشکیل دهنده آن‌ها به کارگران چپی و کارگران غیر چپی، لمپن‌ها، حاشیه‌نشینان و قشر پایین طبقه متوسط تقسیم گردید که از میان آن‌ها کارگران غیر چپی، حاشیه‌نشینان و قشر پایینی متوسط در راستای موضوع مورد بحث قرار داشتند. علی‌رغم بی‌سواد یا کم‌سواد بودن این عده، به دلیل شرکت آن‌ها در مراسم و هیات‌های مذهبی، از مسائل و اخبار، توسط روحانیون سیاسی کشور آگاه می‌گردیدند، بنابراین آن‌ها در کنار سایر طبقات مردم نقش عمده‌ای در پیروزی انقلاب اسلامی داشتند.

دکتر تنهایی در کتاب درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی در مورد ساز و کار پویایی‌شناسی جنبش‌ها می‌گوید: هر جنبش اجتماعی از آغاز شروع تا نهایت فرجامین آن، می‌بایستی ساز و کارهای پنج‌گانه‌ای را در خود تجربه کند. هر کدام از این ساز و کارهای پی‌در‌پی، یک گام در فرآیند تکوین و تکمیل جنبش به حساب می‌آیند. به دیگر سخن، این پنج گام مانند دانه‌های یک رشته به هم متصل‌اند و سررسید هر کدام مستلزم تمام شدن گام پیشین است.

## ۱- انگیزش اجتماعی<sup>۱</sup>:

در گام آغازین، هر جنبش نیازمند طرح مطالب و مسائل عمده یا حساس و مهم اجتماعی است که مقدمات و زمینه‌های توجه، نگرانی یا نارضایتی مردم را فراهم آورده است. برای ضمانت ایجاد کنش پیوسته‌ی متناسب، انگیزش اجتماعی باید همراه با آن دسته استدلال و شواهد تجربی و عقلی صورت گیرد که مردم نسبت به آن حساس هستند، تا بتوان شاهد کنش پیوسته به احساس پیوسته و مشترک بود.

انگیزش به معنی بیدار کردن، انگیزه دادن، حساسیت نشان دادن، حساس کردن و متوجه کردن می باشد. ولی آن چه بلومر از این اصطلاح در نظر داشت با مفهوم انگیزش اجتماعی بهتر فهمیده می شود. معنای مورد نظر بلومر این است که مردم می بایستی مسائل مربوط به خود را فهمیده و درخواست مطالبات روشنی داشته باشند. چون جامعه چیزی جز کنش متقابل نمادی این مردم، که تعریف مشترک آنها از موقعیت درگیر با آن است، نمی باشد. بنابراین کنش پیوسته بایستی تغییر یابد. انگیزش اجتماعی، مثلاً در انقلابی در جهان سوم، می تواند به نوع عملکرد حکومت که موجب به هدر رفتن سرمایه مملکت، از خود بیگانگی جوانان، توجه نمودن به حقوق انسانی و آزادی آدمی می شود، معطوف شود. این مسائل می توانند به موضوعی برای تفکر انتقادی و برخورد نمادی افراد با موقعیت پیش روی تبدیل شوند.

جنبش اجتماعی به سان و گونه ای از فرآیند پژوهش بایستی عمل کند: با تبیین مسأله موضوع مطالبه. آغاز هر جنبشی بایستی با تعریفی روشن از مطالبه به عنوان گونه ای از برخورد با مسأله همراه شود. پس کارکرد انگیزش اجتماعی در میان مردم حساس کردن آنان درباره موضوع یا مسائلی خاص و روشن است.

## ۲- روح گروهی

برای تبدیل کنش پیوسته و مشترک، هر جنبشی ناگزیر از تشکیل واحدهای کوچک، غیر متمرکز و مبتنی بر روابط غیر رسمی است، تا بتواند انبوه پراکنده ی مردم را که در حد رفتار عامه عمل می کنند، به گروه‌های به هم پیوسته ی متحد تبدیل کند، تا در برابر مسائل نیز از

طریق برخوردی نمادی مسئولیت عاطفی حاصل کنند. در بیان واضح تر می توان گفت که گروه‌های کوچکی چون گروه‌های فامیلی، همسالان، همالان و همدرسان، هم محله‌ای‌ها، هم کلویی‌ها، هم حزبی‌ها و هم مسجدی‌ها همگی می توانند گروه‌های پیوند دهنده تلقی شوند، که کارکرد اصلی آن ایجاد همبستگی گروهی است. یعنی گروه‌هایی که مسائل انگیزش اجتماعی شده را از سطح عامه گرفته و هر کدام بارهای عاطفی لازم را به آن اضافه کنند و بعد در واحدهای کوچکتری از قبیل خانواده، محله، مسجد، کلاس، شب نشینی و هر مراسم دیگری دنبال کنند و حساسیت عاطفی و ریشه داری در ساخت‌های نمادی مردم ایجاد نمایند.

### ۳- دلگرمی جمعی:

پس از طی گام‌های فوق، لازم است جنبش اجتماعی نوعی از گرایش‌ها و اعتقادات مذهبی و یا مکتبی را در جهت معتقد کردن افراد به راه‌ها و اهداف جنبش، در خود رشد دهد تا به کمک این احساسات، گروه‌های کوچک بتوانند در برابر پراکندگی، خطرات و ناملایمات خود را همچنان متحد نگاه دارند. به عبارت واضح تر، احساسی اجتماعی باید ایجاد شود تا مردم را متعهد به یکدیگر کند، معتقد به لزوم پیوستگی و انسجام نماید. این خود نوعی اعتقاد اخلاقی، یا اخلاق گروهی یا اخلاق جنبش است، و نه اخلاقی که مبتنی بر مذهب و دین و ارزش‌های متدوال است. این اخلاق نوعی اخلاق حزبی و یا وابستگی سازمانی است.

### ۴- آرمان شناسی:

پس از گام سوم، جنبش باید قادر باشد تا گرایش‌های متحد کننده و مکتبی خود را در قالب باورها و ارزش‌های مذهبی و اسطوره‌ای که بر کلیه اقشار مردم قدرت نفوذ داشته باشد، تبدیل به ایدئولوژی یا آرمانی راهبر و جهت بخش نماید، به صورتی که قوت روانی و توجیه فلسفی هر گونه ایثار و عملی در مردم ایجاد شود. در فرآیند تشکیل این چنین آرمانی، هر گروه و خرده فرهنگی به هر دلیلی، به موج بیکران انقلاب می پیوندد، گروهی به دلایل اقتصادی، گروهی دیگر از نظر سیاسی و هزاران اندیشه و دلیل دیگر. مثلاً، زمانی همه مردم مرگ بر شاه می گفتند، ولی هر قشر یا گروهی به دلیلی متفاوت.

## ۵- تاکتیک‌های عملیاتی:

هر نظریه آرمان شناختی زمانی پیروز خواهد شد که راه‌های عملی خاصی، جهت رسیدن به اهداف در برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت را مشخص کند. پی در پی بودن و انجام درست و نمادی هر کدام از این گام‌ها شرط لازم پیروزی هر جنبش یا نهضت اجتماعی خواهد بود. پس از بسط آرمان‌شناسی، برنامه‌ی عملی جنبش بایستی ارائه گردد تا چگونگی کردارهای بعدی معین شود: تعیین این که برنامه کوتاه مدت یا بلند مدت باشد، مسلحانه و یا غیر مسلحانه. قلمرو عملی برنامه تا کجاست؟ از کجا باید شروع شود و به کجا باید برسد؟ اگر تاکتیک‌های عملیاتی تنظیم نشوند شکست از راه می‌رسد. پیروزی هر انقلابی مرهون برنامه ریزی دقیق در آن است. استراتژی هر انقلابی نیز، تنظیم دقیق انجام هر کدام از گام‌های یاد شده می باشد. (تنهایی؛ ۸۹: ۳۱۴\_۳۱۲)

با دقت در آنچه گفته شد مشاهده می شود که تمامی ۵ مرحله گفته شده در سال‌های پایانی حکومت محمدرضا پهلوی که منجر به انقلاب سال ۵۷ گردید، مشاهده می شود. افزون بر آنچه بیان شد، می توان انقلاب ایران را برخورد دو طبقه فرودست و فرادست در ایران دانست که البته بایستی میزان دخالت در سیاست گذاری و تعیین سرنوشت را محور تقسیم جامعه به دو طبقه گفته شده دانست. برهم خوردن سامان اجتماعی بر اثر اصلاحات ارضی و تبعات آن که موجب بروز باورهای همچون توزیع ناعادلانه درآمدهای نفتی و تافته جدا بافته بودن طبقه حاکم از مردم و در نتیجه سلب اعتماد توده مردم از ایشان گردید، می توانند از مهمترین دلایل شکل گیری دو طبقه در قدرت و خارج از قدرت به حساب آیند. در پایان و در پاسخ به سه پرسش بیان شده در ابتدای تحقیق می توان گفت که شکل گرفتن طبقه متوسط شهری که به دلیل نداشتن جایگاه و عدم نقش آفرینی در ساختار قدرت در طبقه فرودست جامعه قرار می گیرد، یکی از عوامل موثر بر انقلاب ایران در سال ۵۷ بوده است. همچنین اصلاحات ارضی موجب به هم خوردن سامان اجتماعی و به دنبال آن اقتصادی گردیده، موجب واکنش رفتار جمعی مردم ایران در برابر این تغییر ساختار گردیده، به نحو مستقیم در دگرگونی‌های سیاسی تاثیر گذار و نقش آفرین بوده است.

## منابع

- ۱- ----؛ (۱۳۴۰) اصلاحات ارضی در ایران، تهران، اطلاعات و روابط عمومی وزارت کشاورزی، اسفند ۱۳۴۰.
- ۲- آبراهامیان، یرواند؛ (۱۳۷۷) ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
- ۳- از کیا، مصطفی؛ (۱۳۷۰) جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ سوم.
- ۴- اشرف، احمد؛ (۱۳۸۳) از انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی، ترجمه محمد سالار کسرائی، فصل‌نامه متین، شماره ۲۲، بهار ۱۳۸۳، صص ۱۰۹ تا ۱۴۲.
- ۵- امرایی، صحبت‌الله؛ (۱۳۶۱) بررسی موقعیت اجتماعی شهدای انقلاب اسلامی (اول شهریور ۱۳۵۷ تا ۳۰ بهمن ۱۳۵۷)، تهران، طرح منتشر نشده‌ی دانشگاه تهران.
- ۶- بازرگان، مهدی؛ (۱۳۷۳) شصت سال خدمت و مقاومت: خاطرات مهندس مهدی بازرگان، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۷- باقی، عمادالدین؛ (۱۳۷۰) بررسی انقلاب ایران، تهران، نشر تفکر، چاپ نخست.
- ۸- باقی، عمادالدین؛ (۱۳۸۴) روحانیت و قدرت، تهران، اسرایی، چاپ دوم.
- ۹- بنی، رولف؛ (۱۳۸۵) شاه ایران، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال سوم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۵.
- ۱۰- بودون، ریمون (۱۳۸۵) فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی، چاپ اول، تهران، فرهنگ معمار
- ۱۱- برگر پیترو، توماس لوکمان (۱۳۷۸) ساخت اجتماعی واقعیت، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۱۲- بهنام، جمشید؛ (۱۳۴۱) جمعیت‌شناسی عمومی، تهران، دانشگاه تهران و مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، چاپ نخست.
- ۱۳- بیرو، آلن؛ (۱۳۷۰) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه ی باقر ساروخانی، تهران، کیهان، چاپ دوم.
- ۱۴- پارسونز، آنتونی؛ (۱۳۶۳) غرور و سقوط، ترجمه پاشا شریفی، تهران، راه نو، چاپ نخست.

- ۱۵- پورافضل، حسن و نجفی، بهاءالدین؛ (۱۳۵۱) اصلاحات ارضی و واحدهای دسته جمعی تولید کشاورزی، شیراز، انتشارات دانشگاه پهلوی، چاپ نخست.
- ۱۶- پهلوی، محمدرضا؛ (۱۳۴۶) انقلاب سفید، تهران، کتابخانه سلطنتی پهلوی، چاپ نخست.
- ۱۷- پهلوی، محمدرضا؛ (۱۳۷۱) پاسخ به تاریخ، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، مترجم، چاپ نخست.
- ۱۸- تنهایی، حسین ابوالحسن؛ (۱۳۸۹) درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، مرنديز و بهمن برنا، چاپ ششم.
- ۱۹- توکویل، آلکسی دو؛ (۱۳۶۹) انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نقره، چاپ دوم.
- ۲۰- تنهایی، حسین ابوالحسن؛ (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی نظری، تهران، بهمن برنا، چاپ سوم.
- ۲۱- تنهایی، حسین ابوالحسن؛ (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی معرفت و معرفت‌شناسی نظریه، تهران، بهمن برنا، چاپ اول.
- ۲۲- تنهایی، حسین ابوالحسن و جواد نکهت؛ (۱۳۷۸). شیوه تنظیم و نگارش پایان‌نامه، کرمان، همیارطنین، چاپ اول.
- ۲۳- تنهایی، حسین ابوالحسن؛ (۱۳۸۹) درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، ناشرین مراندیز ° بهمن برنا، چاپ ششم، ویرایش فشرده.
- ۲۴- خسروی خسرو؛ (۱۳۵۸) جامعه‌شناسی روستایی ایران، تهران، پیام، چاپ سوم.
- ۲۵- خطیب، محمدعلی؛ (۱۳۷۴) اقتصاد ایران، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
- ۲۶- خلیلی عراقی، منصور؛ (۱۳۶۷) شناخت عوامل مؤثر در گسترش بی‌رویه شهر تهران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۷- خمینی، روح‌الله؛ (۱۳۷۴) ولایت فقیه: حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۲۸- خمینی، روح‌الله؛ (۱۳۷۹) صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ دوم.

- ۲۹- دیگار، ژان پی‌یر؛ ریشار، یان؛ هورکاد، برنار؛ (۱۳۷۸) ایران در قرن بیستم، ترجمه رضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز، چاپ دوم.
- ۳۰- رضویان، محمد تقی؛ (۱۳۷۴) تمرکززدایی در کشورهای در حال توسعه و ایران، تهران، انتشارات شروین.
- ۳۱- رفیع پور، فرامرز؛ (۱۳۷۷) توسعه و تصاد، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۳۲- زاهدی، محمد جواد؛ (۱۳۸۵) توسعه و نابرابری، انتشارات مازیار، چاپ دوم.
- ۳۳- زنجانی، حبیب‌الله؛ (۱۳۸۰) مهاجرت، تهران، سمت، چاپ یکم.
- ۳۴- سازمان برنامه و بودجه؛ (۱۳۶۰) ایران در آینه آمار، تهران، مرکز آمار ایران.
- ۳۵- ساروخانی، باقر؛ (۱۳۵۷) خاستگاه کارگران ایران (کتاب اول: روان‌شناسی اجتماعی کار صنعتی در ایران)، تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- ۳۶- سوداگر، محمد؛ (۱۳۵۹) نظام ارباب-رعیتی در ایران، تهران، مؤسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند.
- ۳۷- عنایت، حمید؛ (۱۳۷۲) اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم.
- ۳۸- فاربر، دیوید؛ (۱۳۸۵) سال‌های سقوط، ترجمه علی فتحعلی آشتیانی، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال سوم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۵.
- ۳۹- فوران، جان؛ (۱۳۷۷) مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۴۰- کاتوزیان، محمدعلی همایون؛ (۱۳۷۳) اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، چاپ چهارم.
- ۴۱- کدی، نیکی. آرا؛ (۱۳۶۹) ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات قلم.
- ۴۲- کوپاهی، مجید؛ (۱۳۶۷) اصول اقتصاد کشاورزی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم.



- ۴۳- کوزر. لوئیس و دیگران (۱۳۸۹) جامعه شناسی معرفت. ترجمه جواد افشار کهن، چاپ اول، تهران، پژواک
- ۴۴- کوکن، فرانسوا ژاویر؛ (۱۳۷۴) انقلاب روسیه، عباس آگاهی، تهران، آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- ۴۵- گازیوروسکی، مارک؛ (۱۳۷۱) سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه جمشید زنگنه، تهران، مؤسسه فرهنگی رسا.
- ۴۶- مخبر، عباس؛ (۱۳۷۲) سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، تهران، طرح نو چاپ نخست.
- ۴۷- مؤمنی، باقر؛ (۱۳۵۹) مسأله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران، انتشارات پیوند، چاپ نخست.
- ۴۸- لمبتون، آن؛ (۱۳۶۲) مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، مرکز انتشارات عملی و فرهنگی، چاپ سوم.
- ۴۹- مصدق، غلامحسین؛ (۱۳۶۹) در کنار پدرم مصدق: خاطرات دکتر غلامحسین مصدق، تهیه و تنظیم غلامرضا نجاتی، تهران، انتشارات رسا، چاپ سوم.
- ۵۰- هالیدی، فرد؛ (۱۳۵۸) دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۵۱- هانتینگتون، ساموئل؛ (۱۳۷۰) سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علم.
- ۵۲- هیتلر، آدولف؛ (۱۳۷۳) نبرد من، حمید عنایت، تهران، دنیای کتاب، چاپ چهارم.
- 53- Bauer, Janet; (1983) Poor Women and Social Conciousness in Revolutinary Iran, in G. nashat, ed, boulder: westview.
- 54- Hoagland, Erick; (1982) Land and Revolution in Iran, 1960-1980, Austin: University of texas press.
- 55- Kazemi, Farhad; (1980) Poverty and Revolution in Iran: the Migrant Poor, Urban Marginality and Politics, New York, New York University press.
- 56- Tocquville, Alexis de; (1945) Democracy in America, New York, A. knopf.



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی